

حماسهٔ ۲۳ تیر

گوشه‌ای از مبارزات کارگران نفت خوزستان

www.iran-archive.com

گردآوری و مقدمه از ف. م. جوانسیر

www.iran-archive.com



انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸

ف. م. جوانشیر
حماسه ۲۳ تیر (گوشه ای از مبارزات کارگران نفت حوزستان)
چاپ اول، ۱۳۵۹
حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

بها ۵۰ ریال

فهرست

- نظری به وضع کارگران نفت قبل از اعتصاب تیرماه ۱۳۲۵ ۷
متن دفاعیهٔ جمعی رهبران حزب تودهٔ ایران دربارهٔ وقایع ۲۳ تیرماه
۱۳۲۵ آبادان در دادگاه نظامی ۲۱
چندسند ۵۹

www.iran-archive.com

نظری به وضع کارگران نفت قبل از اعتصاب تیرماه ۱۳۲۵

طیغه، کارگر سنگارحوی ایران باید گذشته خود را به درستی سانسد و بداند که گذشته‌ای دردناک و در عین حال افسارناپذیر دارد. هرلعمه‌سای که امروز از جلوی فرزند کارگر ناس می‌رود و هرکلمه‌ای که او در دستان می‌آورد، حاصل سال‌ها سرد حوسین و تلاسی سردرد و ریح است. در گذشته‌ای به حدیان دور در کسورما به کار بردن کلمه، کارگر مدعی بود. می‌گفتند این کلمه کمونیستی است. می‌ناست به‌حای آن کلمه، عمله و عملجات را به کار برد. به سال ۱۳۲۵ رمایی که حرب بوده، ایران ناسسد، رورامه‌های حربی، هور یا حسین مشکلی رورو بودند. هور نغانای ناسور رضاحایی به کلمه، کارگر اراد می‌گرفت.

السه سخن بر سر کلمات ناست، بر سر محوای آن‌ها است. تا قبل از سکیل حرب بوده، ایران و مبارزات در حسان آن در جامعه، ایران، کارگران اسان به حساب نمی‌آمدند. هیچ فاسوی از حقوق آن‌ها حساب نمی‌کرد، هیچ سازمان و مؤسسه، مدافع این طغه وجود نداشت. رهبران و اعضای حرب کمونسس ایران و گروه‌ارایی که مدافعین ناسس طغه، کارگر بودند در رندان‌های رضاحایی نسر می‌بردند. هسب حاکمه، مؤودال- سرمایه‌داری ایران که حسین کارگری را کوبیده بودند می‌کوسدند کارگران را حفر کنند و سحسب آن‌را بسکند. اصرار آن‌ها در به کار بردن کلمه، عمله به حای کارگر ارهمن حا سرحسسه می‌گرفت. در سب سر کلمه، عمله هزار نوع حفر و حقف جوابیده بود.

صاحبان مؤسسات تولیدی و مقامات دولسی مدافع آن‌ها حق خود می‌دانسند که با کارگر - عمله - ماسد حیوانات رفتار کنند. هوس،

باسرا و تحفیر نسبت به کارگران امری عادی بود. تنبیه بدنی رواج داس. فرزندان کارگران به دبستان راه نداشتند، از بهداشت خبری نبود. دستمردها به قدری نازل بود که سکم فرزندان کارگر را بان خالی هم سیر می‌کرد.

البته امروز هم وضع طبقه کارگر ایران درخشان نیست. امروز هم سطح زندگی کارگران ایران به مراتب پایین‌تر از آن است که باید باشد. ولی قریب چهل سال پیش، زمانی که حزب توده ایران برای نخستین بار شعار نان برای همه، فرهنگ برای همه، بهداشت برای همه را مطرح ساخت اوضاع صدبار بدتر از امروز بود. بسیاری از نمایندگان طبقات حاکم در فمال شعار حرب توده ایران با تعجب و وحش می‌گفتند: "مگر ممکن است!" مگر خدا سچ انگشت زابه یک اندازه آفریده؟ چگونه ممکن است نان، فرهنگ، بهداشت برای همه باشد؟

مرکز اصلی صنعتی و کارگری آن روز ایران خورسان بود. در این منطقه بزرگ‌ترین تعداد کارگران ایران و عظیم‌ترین صعب آن زمان تمرکز می‌یافت. بزرگ‌ترین و شدیدترین نوع استثمار حیوانی از طبقه کارگر و بدترین نوع رفتار تبعیض‌آمیز و حقارت‌آور نسبت به این طبقه سیر در خوزستان به حسم می‌خورد.

شرکت استعماری نفت انگلیس بر سرتاسر جنوب ایران به طور مستقیم و طبق امتیازنامه و بر سرتاسر کشور، به طور غیرمستقیم و به دست حکومت رضاخانی و عمال سرسرده اس مسلط بود. در حوزه امتیاز، همه تاسسات اساسی به شرکت تعلق داشت. تاجایی که واحدهای ارتس ایران در خوزستان هم مجبور بودند از تلفن‌خانه شرکت استفاده کنند. تلفن خارج از کسرل شرکت وجود نداشت. درباره سهادت دریادار بایدر در سوم سپریور ۱۳۲۵ تاکنون بسیار حرف‌ها رده‌اند اما ساید کم‌تر کسی نداند که صح سوم سپریور ۱۳۲۵ بایندر- فرماده نیروی دریایی ایران - هور در صرل خود بود که از ورود قوای انگلیسی باخبر سد. دست به تلفن برد تا با نادگان تماس بگیرد. تلفن قطع بود. شرکت نفت انگلیس به فرماده لسگر احازه نمی‌داد که از تلفن‌خانه شرکت استفاده کند. بایدر بدون

این که موفق به تماس با نادگان سود از منزل بیرون آمد و در خیابان گسته سد.

در سال ۱۳۲۵ دولت ایران تصمیم گرفت که واحدهایی از نیروی دریایی خرمسهر را به بنادر فارس اعزام دارد. شرکت نفت از دادن مواد سوختی به کشتی‌های جنگی و ستون اعزامی به فارس امتناع نمود و چند روز اعزام قوا را به تاخیر انداخت و تازه موقعی که کشتی‌ها آماده حرکت شدند مارور جیکاک - از رؤسای شرکت نفت انگلیس - کشتی‌ها را دقیقاً "بازدید کرد و سپس اجازه حرکت داد." ۱

تمام ادارات دولتی خوزستان زیر نظارت شرکت نفت قرار داشت. از استاندار و فرماندهان لسگر گرفته تا رؤسای ادارات دیگر استان تابع شرکت نفت بودند (سابوربختیار معروف در آن زمان‌ها یکی از رؤسای اداره کار استان خوزستان بود).

در آن زمان جامعه خوزستان از طرف شرکت "درجه‌بندی" می‌شد. درجه اول عبارت از "سینیورها" بود که همه کارگران و کارمندان اروپایی شرکت در این درجه جا می‌گرفتند. از میان ایرانیان تعداد انگشت‌شماری به این درجه راه می‌یافتند. اگر از افراد حداکثر به‌گدریم - که احتمالاً ساینس‌مندی در مدیریت از خود بروز می‌دادند - اکرایرانیان سینیور از روی درجه عبودیت و بدگی در برابر اجنبی به این مقام می‌رسیدند. آنان سگان تولید شرکت بودند. هر کار کیفی را که شرکت می‌خواست به دست کارمندان انگلیسی‌اس انجام دهد به ایان می‌سپرد تا به دست خوس به میهن خود خیانت کند و مستقیماً در برابر هم‌میهنان خویش قرار گیرد. گفتنی است که سینیورهای ایرانی در جرگه سینیورها هم در مقام سستی قرار داشتند؛ حقوق کم‌تر و جای نامناسب‌تری به آنان داده می‌شد.

درجه دوم "جونیور" نام داشت. بخشی از کارمندان تحصیل کرده

۱. رورنامه طغر. ارگان شورای محده، مرکزی کارگران و رحمکنان ایران ۳ آبان ماه ۱۳۲۵ (در آن سال‌ها مقامات حساس مدیریت شرکت نفت انگلیس به افسران انگلیسی و ماموران انتلیجنس سرویس انگلیس سرده می‌شد که مارور حکاک، لورس لوکهرت، فیلد مارسال سر آلی بروک از این زمره‌هاید).

و کارگران فی و مهندس و لساندهای ایرانی که در بسیار اقتصادی احضار به آبادان روی می آوردند در آن درجه جا می گرفتند. این دستمزدی به مراتب کم تر از سسورها داشتند و سبهای کم اهمیتی به آن داده می شد. ولی به هر صورت سب به "عوام الناس" صاحب درجه و رتبه به حساب می آمدند و به اصطلاح مشخص بودند. از جمع کل کارگران و کارمندان ایرانی در خورسان که در سال ۱۳۲۵ پس از ۷۰ هزار نفر بود، ۱۵۰۰ نفر در درجهٔ حوسور قرار می گرفتند.

از سیبور و حوسور که بگذریم. بقیهٔ کارمندان و کارگران سرک بقیهٔ خارج از درجه بندی می ماندند. سرک انگلیسی آن ها را لایق آن می دانست که درجه بندی کند. با آن ها مانند گله رفتار می شد.

این درجه بندی و یا "طبقه بندی حماعات" سنگینی است از همان ساس براد برساه که امروز در آفریقای حوسوی وجود دارد و آثارش تا فکک برادها نامیده می شود. ساس براد برسان آفریقای حوسوی، حوری سبب که خود آن اجراء کرده باشد. ساسی است که استعمار انگلیس در همهٔ مستعمرات - از جمله در خورسان - داشت و در هر کشوری به سنگینی اجراء می کرد.

ناری، حواناسی که سی - چهل سال پس از آندها آمد و با به یاد دارند برای آن که وضع آبادان را در آن سالها محسوم کند می توانستند از حیرهائی که امروز از آفریقای حوسوی می رسد بهره گیری.

در خورسان و سوریه در آبادان ساس درجه بندی و فکک برادها آسکارا اجراء می شد. محله های شهر درجه بندی بود - که همور هم متاسفانه این درجه بندی عملاً وجود دارد - برسم، باوارده، سهمسیر، احمد آباد و غیره... برسم با و بلاهای زیبای خود محل سکونت سسورها بود. باوارده به حوسورها معلق داشت و کارگران رحمکس در حصارآبادها بسر می بردند.

ابوسورانی شهر سر - که در دست سرک بقی بود - درجه بندی می شد. ابوسوهای رسانی که کم رسید فرمر داشت از آن سسورها بود. ابوسوهای سسر با کم رسید بعد از آن حوسورها و کارگران فی نارکس

داسند و کارگران ساده ار نارکی هم محروم بودند .

مسر تراست - کسول انگلیس - برای عبور از کارون به مووریوت
سزارریایی سوار می شد که "طاوس" نام داشت ، اعضای انگلیسی سرکت
- سیپورها- از فاتی های مووری استفاده می کردند و کارمندان ایرانی از
حبه باره های فرسوده .

ناسگاه ها نیز درحتمدی بود . هیچ فردی از درجه ناسی جوداس
وارد ناسگاه درجه ، نالار سود . ایرانی ها ، هندی ها و برمه ای ها از هر
درجه ای هم که بودند حق نداشتند به ناسگاه انگلیسی ها که "حیم حانه"
نامده می شد وارد شوند و با انگلیسی سفید پوست که خود را "صاحب"
می نامند ، نامرند .

اس درجه بندی علاوه بر دلایل دیگر ، به ویره به قصد سکس
سحبت اسان ها ، برای جعفر بوده ، مردم رحمکنس و واداسن آسان به
سلم انجام می گرفت . هرکارگر و کارمندی که با به سرکت می گداست
می نایست سدیدر که ناسایی اس از درجه ، سسروا کردفق برنگوسم ،
اسان سست . موجود مفلوکی است که به خاطر یک لقمه ، نان باسد درخدمت
"صاحب" باسد و صاحب حق دارد ناسرا بگوید و حر ناسرا بگوید . صاحب
حق دارد کتک بزند و سرسکند .

در سررمن سد آب وهوای جورستان ، آنجا که آفتاب خون آهن
لغمه می سوزاند حی آت و یخ هم درجه بندی بود . سسیورها از سهونه
مطوع گرفته با جوسکواریس آسامندی های حیک در احبار داسند - که
سدون برداحت عوارص گمرکی وارد می شد- جوسیورها بکه حی به سد
می آوردند و بوده ، رحمکنس ده ها هزارعری کارگران بح را به حواب هم
می دیدند .

آنادان ، برای معالجه کارمندان انگلیسی و سسیورها درمانگاه
بالسه محبری داس . بعدادی برکت اروپایی احتصاصا " برای معالجه ،
سسیورها اسخدام سده بودند . بنا به اصل ترا دیرسانه ، آتارائند هیچ
برکت سرفی (ارحمله ایرانی) محار سود سماران اروپایی را معالجه کند .
اسان حاضر بودند سمیرد ولی به ایرانی مراجعه نکند .

وسایل درمانی جونیورها در سطح بارلتری قرار داشت. بزسک اروابایی در دسترس آن ها نبود و اگر به تخصص بزسک معینی هم بیار می افتاد از کمک خودداری می کرد. معالجه جونیورها به عهده سرسکان جوان ایرانی و هندی گذاسه می سد.

اگر جونیورها لاقل بزسکی در دسترس داشتند توده دهها هزار سفری خارج از "درجه بندی" ار آن هم محروم بودند. کارگران بیمار که در حال مرگ به درمانگاه می آمدند مجبور بودند درصف طولانی باستند. بزسک جوان و کم تجربه ای مامور آنان می سد که می بایست در یک روز ۳۵۵ بیمار را ملاقات کند و نسخه بنویسد.

در درمانگاه سرکت نفت انگلیس حیری که وجود نداست عاطفه آسانی بود.

در سرتاسر خوزستان بیماری های سومی بیداد می کرد. ار هرصد حنم ۹۹ جسم تراخمی بود. تقریبا همه کودکان به کحلی مبتلا بودند. بیماری های باسی ار گرسنگی همه گیر بود.

تا ۱۳۲۵ - یعنی طی جهل سال فعالیت شرکت انگلیسی نفت تا آن روز - هیچ قانونی بر مناسبات کارگر و کارفرما حکومت نمی کرد. سرکت انگلیسی نفت آزاد بود که به میل خویش با کارگران و کارمندان ایرانی رفتار کند. طمی در دستمزدها، ساعات کار، مرخصی، بیمه، نازنسستگی وجود نداست. در دی ماه ۱۳۲۵ وقتی سرکت نفت دستمزدها را با سر ادعای خود ۳۳/۵ درصد افزایش داد، تاره دستمرد کارگر به ۱۱ ریال رسید. در ۱۳۲۴ کارگر فسی با ۳۵ سال سابقه ۳۵ ریال مرد می گرفت. یک ریال برای هر سال.

راه ترقی و تکامل به کارگر و کارمند ایرانی بسته بود. سرکت نفت برخلاف آنچه حتی در امتیازنامه استعماری اس نوشته سده بود کمکی به سرورش کادر ایرانی نمی کرد. انگلیسی ها نرجیح می دادند که مقامات فنی و اداری کوچک راهم به افرادی ار ملیت های غیر ایرانی: هندی، برمه ای، آسوری عراقی و... واگذار کنند تا با استفاده از اختلافات ملی - که به آن دامن می زدند - راحتتر بچانند.

در ۱۳۲۵، زمانی که حرب توده، ایران تاسیس شد و با به عرصه نبرد نهاد، یکی از نخستین هدف‌های حزب طرد سرک استعماری انگلیسی نفت، آزاد کردن مردم ایران از قید استعمار و به همراه آن تأمین حقوق انسانی کارگران صنایع نفت بود. حزب توده، ایران شعارها هرگونه استعمار ایران مبارزه کنید را در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده بود و با عمال انگلیس مانند سیدضیاء و غیره در نخستین سنگر می‌رزمید. حزب توده، ایران در سرتاسر کشور برای مشکل کردن کارگران در صفوف حزب طبقه کارگر می‌کوشید و به تشکل صنفی کارگران در سندیکاها و اتحادیه‌های پیکارجو از هر نظر کمک می‌کرد. با شرکت فعال مبارزین توده‌ای شورای متحده، مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران تاسیس شد که اکثریت قریب به اتفاق کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کرد. زیر رهبری حزب توده، ایران و شورای متحده، مرکزی طبقه کارگر ایران شخصیت انسانی خود را به دست آورد. برای نخستین بار قانون کار در کشور ما تدوین شده و از اردیبهشت ۱۳۲۵ به موقع اجرا درآمد.

فعالیت حزب توده، ایران و شورای متحده، مرکزی در مناطق نفت‌خیز با دشواری‌های بسیار جدی روبرو بود. از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ بیس از چهار سال، جنگ جهانی ضدفاشیستی ادامه داشت. در این جنگ همه نیروهای ترقی‌خواه جهان در جبهه صدهیتلری قرار می‌گرفتند. سیروزی بر لسگر فاشیسم شرط لازم هر نوع ترقی و تکامل بود و لذا همه ترقی‌خواهان می‌بایست همه قوای خود را در این جهت به کار اندازند.

صنایع نفت خوزستان نقش موری در جنگ داشت. این صنایع، در حدودی که در خدمت جنگ ضدفاشیستی بود، می‌بایست منظم و بی‌وقفه کار کند. در این مورد حزب توده‌ای ما نیز، که بزرگ‌ترین - و می‌توان گفت تنها - نیروی ضدفاشیستی جامعه ایران بود، تردیدی نداشت. ولی شرکت نفت انگلیس و دربار سلهوی و دولت‌های ارتجاعی وابسته به آن از شرایط جنگ نتایج دوربردتری می‌گرفتند. آن‌ها ادعا می‌کردند که هر نوع تشکل کارگران صنایع نفت گویا با شرایط دوران جنگ تناقض دارد. شرکت نفت انگلیس از فعالیت حزب توده، ایران و شورای متحده، کارگران در

حورسان جلوگیری می‌کرد و دزاس امر به فواین دولتی اسناد می‌حسب .
 این فواین و خصوصاً ماه‌های تابان و پیران که تمام حفظ صنایع نفت و ماس فعالیت
 بی‌وقفه، آن احام می‌گرفت، از فعالیت‌های سیاسی و صغی سر مفاعت می‌کرد .
 در این عوامل حرب بوده، ایران در وضع سار دیواری فرار می‌گرفت .
 از نکسو می‌یاست همه بیروی خود را در جهت بحکم جبهه، صد فاسسی
 به کار اندارد و به عمال حراکار هیلری که نفود قابل ملاحظه‌ای در ایران
 داسند مدان بدهد و ارسوی دیگر می‌یاست روس اصولی خود را در باره،
 مسکل کردن کارگران و رحمکسان و نفوت جبهه، صد اسعماری به سد
 دسال کند .

مطفا " کم برس سافعی مان این دو حالت مساله وجود نداس .
 این‌ها دو روی یک سکه بودند . گسرس فعالیت حرب بوده، ایران در مناطق
 نفت حبر می‌یاست هم بیروی خلافه، رحمکسان را علیه فاسسم بحبر
 کند - همان طور که در سراسر ایران کرد - و هم این سرو را علیه اسعمار
 و در جهت ماس حقوق صغی آنان به حرب آورد . این دو لارم و ملروم
 بود .

اما حمان که کفسم اسعمار انگلیس و دولت‌های دست ساعده، آن
 این دو را معار هم می‌داسند و از فعالیت علی حرب بوده، ایران در
 مناطق نفت حبر جلوگیری می‌کردند . در این سراط خارهای سود حر آن
 که حرب بوده، ایران در آن مناطق از سوده‌های دیگر سار ماسی و نا حدودی
 عرسلی اسفاده کند .

سار این فعالیت حرب بوده، ایران در مناطق نفت حبر سر مل
 سار نفاظ ایران از بحس ماه‌های ماس حرب آغاز سد . مسهی بحس
 سزرکی از این فعالیت از جسم ماموران حاسون سرتک نفت سمان ماند .
 نا حاسی که وقی در سال ۱۳۲۵ - یک سال سار اینان حکم - فعالیت حرب
 علی سر سد، ماموران انگلیسی نا ناواری و وحس نا کسرس یک باره،
 صغوف حرب و سورای مسده، مرکزی روسو سدند . بحس نظاه فعالیت
 وسع حرب ما مسک و نظاه عظم اول ماه مه ۱۹۴۵ (ارد سسب
 ۱۳۲۴) در آنادان بود که در آن ۸۵ هزار سرتک کردند .

الول تاس ، که سالها در سعه، ایران وزارت اطلاعات انگلستان و سی بی سی کار کرده و در زمان جنگ واسسه، مطوعانی سفارت انگلستان در تهران بوده درباره، این پظاهرات حسن می نوسند :

" ار ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) اعضای حزب بوده، ایران و معالسن سدیکانی، فعالیت سدیدی را در صنایع نفت آغاز کردند . اما شرکت ترحیح می داد که تابع مواد قانونی ناسد که اس گونه فعالیتها را از هر نوعی که ناسد مدعی می کرد .

وقتی در اول ماه مه ۱۹۴۵ بسرار ۸۰ هزار کارگر ایرانی برای پظاهرات به خیابان رحمنند و ارسرک نفت بهبود وضع مسکن ، افراسن دسمرد ، افراسن سهمه، حواروبار ، سهبود سراط کار و معیست را طلب کردند ، شرکت عاقل گسر سد . کارمندان شرکت در اس نوع کارها کم ترس نحره ای نداستند . در شرکت هرگز سعه ای و نامقامی که وطنه اس مذاکره با اتحادیه های کارگری ناسد وجود نداست ، در حالی که اسک اتحادیه های کارگری وجود داشتند و علنا " فعالیت می کردند . " ۱

ماموران شرکت نفت و عمال ایرانی آنها که هرگز عادت نکرده بودند کارگران را به عنوان اسان صاحب حق نگرند و به حرف آنها کوس دهند ، رمایی که با حرکت جمعی وسع ، علی و مسکل آنان روبرو سدند نحسن عکس العطلی که سان دادند عمارت از اس بود که اس حرکت را " عرفاقوسی " نامند . ملسن شرکت نفت و عمال ایرانی آنها بوضح می دادند که وجود حسب حرکت وسعی ممکن سست حاصل فعالیت یک روزه و دو روزه ناسد . معلوم می شود حزب بوده، ایران سبهایی در میان کارگران کارمی کرده است . آنان از اس بوضیح اس سسحه را می گرفتند که هرچه هست ربر سر حزب بوده، ایران است و " ساراس " قابل قبول سست !!

۱ . الول تاس ، نفت ایران ، چاپ لندن ۱۹۵۵ ، ص ۱۷۷ .

در سال ۱۳۲۶، س. ارسرکوب و حسیانه^۱ نهضت دموکراتیک آذربایجان و کردستان و سرکوب جنایت کارانه^۲ کارگران صنایع نفت، محل کردن شورای متحده^۳ کارگران خوزستان و دستگیری و تبعید فعالین سندیکایی در صنایع نفت، وزارت کار نشریه^۴ ویزه‌ای درباره^۵ فعالیت سندیکایی در خوزستان منتشر کرد. این نشریه که زیر عنوان "شورای متحده^۶ ایالتی خوزستان" انتشار یافته یکی از آسکارترین سدهای وابستگی هیات حاکمه^۷ آن روز ایران به امپریالیسم و یکی از سندهای افتخار حزب ما است. اندیشه^۸ اصلی این نشریه نیز همان است که الول سانن می‌نویسد و آن این که گسترش فعالیت سندیکایی در خوزستان کار یک روز و دو روز نیست. حاصل کار چند ساله^۹ حزب توده^{۱۰} ایران است.

در مقدمه^{۱۱} این نشریه نوشته شده است:

"به وجود آمدن یک اجتماع با یک اتحادیه خود به خود و ناگهانی صورت نمی‌گیرد بلکه حوادث و وقایع دنبال هم موجب بیداری فکر تمرکز قوا می‌شود. یک حزب یا یک اتحادیه ناگهانی و مانند قارح از زمین نمی‌روید بلکه عوامل و اسبابی در به وجود آوردن آن دخالت داشته و پس از به وجود آمده و به قول کارگردان‌های شورای متحده^{۱۲} یا ترقی جمعیت متحد تأثیر به‌سزا خواهد داشت.

در خوزستان تشکیلات کوچکی که معلوم نیست از چه موقعی به وجود آمده و به قول کارگردان‌های شورای مرکزی در حال استتار بوده ناگهان وسیع و بزرگ شد و حصول این وسعت و بزرگی آن قدر غیرمنتظره بود که هر شخص بی‌طرفی قضاوت می‌کرد که یک دس مرموز!! و قوی در توسعه^{۱۳} تسکیلات خوزستان فعالیت می‌کند." ^{۱۴}

نویسندگان نشریه سس با استاد به مدارکی که پلیس به هنگام

۱. شورای متحده^{۱۵} ایالتی خوزستان، سربه^{۱۶}، وزارت کار و سلبعات. حاجانه^{۱۷}، خودکار، تاریخ احتمالی سر خردادماه ۱۳۲۶. (تاکید ارماس).^{۱۸}

هجوم به کلوپ‌های حزبی به دست آورده و در اختیار وزارت کار!! قرار داده است، توضیح می‌دهد که این "دست مرموز" حزب توده ایران است. "وزارت کار شاهنشاهی" که فاصله‌های باپلیس درباری و شرکت نفت انگلیس ندارد تمام فعالیت سندیکایی کارگران آبادان و سرتاسر خوزستان را زیر علامت سؤال می‌گذارد و تنها دلیلش این است که توده‌ای‌ها به تشکل صنفی کارگران کمک کرده و آن را رهبری کرده‌اند.

خوانندگان در صفحات بعد خواهند خواند که همین "استدلال" از طرف دادگاه نظامی نیز علیه رهبران حزب توده ایران به کار گرفته شد. دادگاه رهبران حزب مارا "به جرم" متشکل کردن کارگران نفت جنوب محاکمه و محکوم کرد!

باری، مطلب این بود که در زمان جنگ فعالیت حزب توده ایران در مناطق نفت‌خیز بسیار دشوار بود و زمانی که حزب در سرتاسر کشور فعالیت قانونی داشت در خوزستان می‌بایست شیوه‌های غیرعلنی را پیشه کند. با وجود این دشواری حزب توده ایران از حق فعالیت خود در منطقه صرف‌نظر نکرد. و به رغم سازمان جاسوسی انگلستان که آن روزها شکست‌ناپذیر معرفی می‌شد، سازمان‌های خود را در سرتاسر خوزستان گسترده به طوری که در نخستین فرصت فعالیت علنی، حزب و سندیکا یک روزه با قدرت عظیمی به میدان آمد.

فعالیت علنی حزب و سندیکاهای کارگری (شورای متحده کارگران) در خوزستان متأسفانه مدت زیادی ادامه نیافت. پس از کشتار ۲۳ تیر ۱۳۲۵، در پاییز ۱۳۲۵ هجوم علیه کارگران و زحمتکشان تشدید شد و بالاخره هم‌زمان با سرکوب نهضت آذربایجان، جنبش کارگری خوزستان نیز سرکوب شد و از آن روز تا انقلاب بهمن ۵۷ کارگران رزمنده نفت در سخت‌ترین شرایط غیرعلنی فعالیت کردند.

درباره اعتصاب کارگران نفت در تیرماه ۱۳۲۵ و کشتار کارگران در ۲۳ تیرماه ۲۵، در دفاعیه جمعی رهبران حزب در دادگاه نظامی که در همین جزوه چاپ شده توضیح کافی داده شده است. تنها چیزی که باید به آن افزود این است که در تابستان ۱۳۲۵ امیرالیست‌های انگلیسی و

آمریکایی با شرکت فعال شرکت نفت انگلیس در سرتاسر جنوب ایران به ویژه فارس، عسایر و فئودال‌ها را مسلح و مجهز کرده بودند و می‌کوشیدند در قبال جنبش دموکراتیک و صدامپریالیستی در آذربایجان و کردستان یک پایگاه ارتحاعی در جنوب به‌وجود آورند. به این موضوع در دفاعیه رهبران حزبی در جاهای دیگری اشاره شده و لذا در ارتباط با اعتصاب کارگران نفت از تکرار مفصل آن خودداری شده است. ولی خوانندگان ما باید تمام جنبش کارگری سال ۱۳۲۵ و از جمله اعتصاب کارگران نفت را در تیرماه آن سال در ارتباط مستقیم با مجموعه اوضاع کشور در نظر بگیرند و توجه کنند که سرکوب خوین این جنبش بخشی بود از نقشه عمومی امریالیستی برای خفه کردن جنبش دموکراتیک و ملی در سرتاسر ایران.

مکتبه دیگری که توضیح آن ضروری است این است که جنبش دموکراتیک سال ۱۳۲۵ موقتاً "سکس خورد و ده‌ها هزار نفر کسبه و تبعیدی و زندانی به‌جا گذاشت. اما این جنبش بی‌نمر نماند. در تکامل جامعه ایران نقش موزی ایفا کرد و از جمله در مورد کارگران ایران و به‌ویژه کارگران نفت این جنبش اثر عمیقی به‌جا گذاشت. بر اثر نبرد کارگران نفت ضربات سنگینی بر شرکت نفت انگلیس وارد آمد و تغییرات چشم‌گیری در مناسبات کارگری ایجاد شد. طبقه کارگر ایران به‌بهای خون، شخصیت خود را کسب کرد. نظام "طبقه‌مدی حماعات" ربر ضربات طبقه کارگر از هم گسست، قانون کار تصویب شد، دستمزدها افزایش یافت، ساعات کار کم‌تر، مرخصی‌ها بیشتر شد و سراسر کارکنان شرکت استعماری نفت انگلیس گور خود را از کشور ما گم کرد.

چنان که گفتیم امروز، ردگی کارگران ایران و از جمله کارگران صایع نفت هنوز از سطح مطلوب بسیار فاصله دارد. اما اشتباه است اگر یک لحظه فراموش کنیم که همین یک لقمه ناسی هم که از گلوی مردمان کارگران پایین می‌رود، همین یک روز تعطیل هفتگی که کارگر می‌تواند در کنار رن و فرزند خود باسد، همین تعدادی از کودکان کارگر که به مدرسه می‌روند و ... همه و همه این‌ها به‌بهای سیرد طولانی طبقه کارگر ربر رهبری حرب توده ایران به دست آمده است.

حرب توده، ایران را به دلیل این که در مبارزات کارگری و دفاع از حقوق رحمتکسان و نبرد علیه استعمار در صف نخست بوده بارها به محاکمه کسیده‌اند. مبارزان نوده‌ای از نسل کارگران نفت دهها سال در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها به سر برده‌اند، علی‌امیدها امروز در میان ما نیستند، اما پرچم پرافتخار نهضت کارگری ایران هم‌چنان در اهتزاز است و در اهتزاز خواهد بود. "اتهام" ما این است که حزب طبقه کارگر و مدافع منافع کارگرانیم. ما به این اتهام افتخار می‌کنیم.

۶ تیرماه ۱۳۵۹

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

متن دفاعیهٔ جمعی رهبران حزب تودهٔ ایران دربارهٔ وقایع ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ آبادان در دادگاه نظامی

بس از نوطه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، دربار پهلوی جمعی از رهبران و فعالین حزب تودهٔ ایران را دستگیر و در دادگاه نظامی محاکمه کرد. محاکمه رهبران حزب تودهٔ ایران از اسفند ۱۳۲۷ تا اول اردیبهست ۱۳۲۸ ادامه داشت. در این محکمه حزب تودهٔ ایران و رهبران آن به ارتکاب هزار و یک جرم متهم بودند از جمله این که اعتصاب تیرماه ۱۳۲۵ کارگران نفت جنوب را سازمان داده و رهبری کرده‌اند.^۱

در برابر این "اتهام" رهبران حزب تودهٔ ایران حقایق را حنان که بود گفتند. ما اینک آن بخش از دفاعیهٔ جمعی رهبران حزب تودهٔ ایران را که مربوط به حوادث تیرماه ۱۳۲۵ و کشتار ۲۳ تیر آبادان است عیناً جاب می‌کنیم. وظیفهٔ بررسی و اعلام این بخش از دفاعیه به عهدهٔ رفیق حسین جودت عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران بود. اینک متن دفاعیه:

رفیق جودت گفت:

یکی از موضوعاتی که آقای دادستان در ادعای خود خواسته‌اند آب‌وتاب زیاد به آن بدهند اعتصاب آبادان است. آقای دادستان در این قسمت ماسد یک مدافع ستاب‌زدهٔ شرکت نفت انگلیس جلوه‌گری نموده برای حفظ مافع آن شمشیر به‌روی کارگران و زحمتکشان ایران آخته و خط صافی بر روی بزرگترین بروت ارضی ایران عزیز کشیده‌اند. سیار حای تاسف است که هیئت حاکمهٔ ما به آن درجه از تدنی و استعمارپرستی رسیده است که در

۱. شیده‌ایم که برخی از عوامل حراکار که اس رورها لاس "جب" آمریکایی بوسده‌اند ادعا کرده‌اند که گویا حزب تودهٔ ایران مخالف این اعصاب بود و باعث کسب آن شد. ای کاش بر چهرهٔ این کسه‌حوای صدکارگر ابری از سرم بید می‌شد، ماعلوم بود که هور چیری از انساب در آن‌ها باقی است.

محکمه عالی نظامی، دادستان حراث دفاع از بزرگترین عامل استعمار ایران را پیدا می‌کند. ما معجزیم که در طرف مقابل دادستان قرار داریم. یعنی در طرف ملت ایران و اینک با اسناد سفین سان خواهیم داد که آن که باید بر جیمک محاکمه بسید و حواب قانون سکی‌ها، غارتگری‌ها و ملت کسی‌ها را بدهد سرک استعماری نفت انگلیس است نه کارگران و رحمکسان ایران.

اینک به عنوان مقدمه به ذکر تاریخ مختصری از امتیاز نفت جنوب می‌پردازیم:

شرکت نفت جنوب

در سال ۱۳۱۹ هجری قمری دولت ایران امتیاز معادن نفت ایران را به اساسی‌الات خراسان و مازندران و آذربایجان و استرآباد به مدت سب سال که ابتدای آن ۸ صفر ۱۳۱۹ برابر با ۲۸ مه ۱۹۰۱ می‌باشد به ویلیام داریسی واگذار نمود.

دولت ایران " احاره" تحسین و اسخراج و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات گنر طبیعی و نفت و فروموم طبیعی را به مدت ۶۰ سال" به داریسی واگذار کرد و هم‌حس حق کسیدن لوله‌های لارمه را از سر حسمه‌های معادن با حلیح فارس و سیر حق ساحس کار حانه و حوص و عیره و آحه لارمه" کار است " سا کرده داده سد ولی حون " معادن نفت سوسر و قصر سیری و دالکی و سدر سوسهر که در آن وقت سالانه مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی داشت معلق نه دیوان بوده، آنها را سر دولت به صاحب اسمار واگذار نمود نه سرط آن که علاوه بر صدی سارده که از کله" عاندا حالص حق دولت است. صاحب امتیاز همه ساله مبلغ ۲۰۰ تومان هم از سب معادن مذکوره سردارد.

در سال ۱۳۲۱ یک کمسانی با سرمایه ۶۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی با سسین سد. نام این شرکت را " کمسانی اسخراجات اوله" گذاسد و فرار سد کمسانی ۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی سهم و ۲۰۰۰۰۰ لیره نقد به ایران بدهد.

با این نفعه امیرالبریم انگلسان به دسبازی نوکران داخلی یعنی هیئت حاکمه ایران در برابر این مبلغ ناخبر معادن نفت دولت وطن ما را به نفعه حویس درآورد.

با به مدرجات رورنامه، ابراسهر " درسال ۱۳۲۷ حوره، عملیات محدود بود نمک میل مربع در میدان نفون "اما اکنون این حوره آنقدر وسیع شده است که در ۱۹۴۸ میزان اسخراج بالغ بر ۳۲۶۰۰۰۰۰۰ تن بوده است. در این میان شرکت نفت جنوب که درسی به دست گرفتن اینکار عمل در ایران بود برای انجام هدفهای حویس سازماندهی به کمک نخبیاریها نمود. حواین نخبیاری دولت را مجبور کردند که قرارداد بیسبب سود که هر کمپانی که در داخل اراضی نخبیاری برای اسخراج نفت تاسس می شود صدی ۹ باید به حواین نخبیاری بدهد.

داری و سرکای او برای تسهیل کار خود یعنی برای این که حوره، عملیات خود را از یک میل مربع به مابقی اراضی نخبیاری توسعه دهد یک شرکت امداد به سازماندهی ۴۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی به نام " شرکت نفت نخبیاری " تشکیل دادند. بدس برست عیار ۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی که سهام دولت ایران است تمام سهام این دو شرکت در دست کمپانی انگلس و ایران فرار گرفت.

کمپانی شروع به کار کرد و فرارشد ۱۶٪ مابقی حالص (خرج در رومه) خود را به دولت ایران بدهد. در این هنگام جمع کل اراضی کمپانی برابر با ۵۰۰۰۰۰۰ میل مربع یعنی ۳۳۱۴۰ فرسک بود.

برای اولس بار یعنی که از میدان نفون (مسجد سلطان) درآمد در یکی از رورههای سال ۱۳۲۶ قمری بوده است. با برآمار منسره در کتاب "امصاد ایران" از حمادی الاول ۱۳۳۰ تا سوال ۱۳۳۱ (آوریل ۱۹۱۲) یعنی طرف ۱۷ ماه برابر با ۲۲۰۹۵۸ تن نفت اسخراج شده و با اوایل شعبان ۱۳۳۲ (۱۹۱۳) ۷۴۴۰۰۰۰ لیره، انگلیسی نفت به فروش رفته است. طبق مدرجات کتاب امصاد ایران و رورنامه، کاوه در این حاره رومه دولت انگلسان برای آن که تمام سهام را خریداری نماید و از طرفی کنترل معادن را تحت نظر داسه ناسد و با کسیهای امابور سمای خود

میلیون‌ها تن نفت به بازارهای جهان گسیل دارد " درمقابل قراردادی کمپانی را مجبور کرد که هر ساله مقدار زیادی نفت به نیروی دریایی انگلیس بدهد .

به این ترتیب دولت انگلستان بابت شرکت با کمپانی و خرید سهام ۲۲۰۰۰۰۰۰ لیره^۱ انگلیسی پرداخت نمود و سرمایه‌داران " بریتانیک هوس Britanic House " با پرداخت مبلغ ناحیزی که به‌قول روزنامه‌های آن روز " با سهامی که انگلیس‌ها برای کنترل سوئز خریداری کرده بودند برابر می‌باشد " کنترل نفت ایران را به دست گرفتند . بعدها در سال ۱۳۲۷ " شرکت نفت انگلیس و ایران " با سرمایه^۲ ۲۰۰۰۰۰۰۰ لیره^۳ انگلیسی تاسیس گردید و در ۲۹ جمادی الاخر ۱۳۳۲ هیئتی به ریاست " ادمون سلیه " که معاون نیروی دریایی انگلیس بود با شرکت نفت قراردادی بس که برطبق آن شرکت نفت انگلیس و ایران^۴ ، میدل به شرکت دولتی گردیده و در عوض " دولت انگلیس با سرمایه^۵ شرکت که تا آن تاریخ ۱۹۹۹۰۰۰ لیره^۶ انگلیسی بوده مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰۰ لیره دیگر افزود . بدین ترتیب سرمایه کل معادل با ۴۰۰۰۰۰۰۰ لیره^۷ انگلیسی شد . "

سیاست شرکت نفت

هنگامی که درباره^۸ سیاست شرکت نفت بحث می‌شود بی‌اختیار اسباب بدیاد گفته^۹ " لایوچر " در پارلمان انگلستان می‌افتد که اظهار داس :
" ما بدون استثنا بزرگ‌ترین راهبران عصر خود هستیم که در گره^{۱۰} رمین زندگی می‌کنند ما از این جهت بدتر از سایر جهانیان هستیم زیرا که علاوه بر آن صفات موزی و منافی می‌باشم . ماهسنی دنگران را به یغما می‌بریم و همیشه آن غارت و چاول را به خیر و صلاح جهانیان وانمود می‌نماییم . "

شرکت نفت جنوب ارسال ۱۹۵۱ تاکنون که متجاوز از ۴۷ سال می‌گذرد هر سال میلیون‌ها تن نفت مارا با تسبیات حریصانه به بازارهای دنیا حمل

می‌کند و همیشه این غارت را به‌خیر و صلاح ملت ما وانمود می‌نماید .
سیاست شرکت نفت جنوب مجزا از سیاست امپریالیسم انگلستان
نیست . برای آنالیز دقیق این سیاست بی‌مناسبت نیست به‌گفته‌ها و
نوشته‌های سیاسیون انگلستان نظر افکنیم .
وولیم فوستر که تاریخ کمپانی هند انگلیس را درهست جلد نوشته
است می‌گوید :

"عمال انگلیسی از چهارصد و پنجاه سال قبل به این طرف از کلیه
امور ایران مطلع بودند و گزارش‌های مفصلی راجع به هر موضوع مرتباً به
کمپانی هند می‌دادند ."

با این سند به‌خوبی می‌توان سی‌بردی که انگلستان متجاوز از چهار قرن
است که در پی استعمار وطن ما بوده است و اگر نامه‌سرجان ملکم را به
رئیس هیئت مدیره کمپانی سرق هند از مد نظر بگذرانیم که در آن نوشته
است :

"کمپانی سرق هند مؤسس سیادت دو بیست ساله انگلیس در هند
می‌باشد ."

آن وقت به‌خوبی می‌توان درک کرد که شرکت نفت جنوب مؤسس
فرمانروایی انگلستان در نیم قرن اخیر ایران بوده است .

انگلستان سی‌از آن‌که در سال ۱۹۰۱ از حکومت وقت امتیاز دریافت
کرد حتی از پرداخت ۱۶٪ عایدات خالص نیز به‌عنوان مختلف سرباززد
ریرا دولت انگلستان عایدات خالص را چنین تفسیر می‌کند که :

باید هرچه خرج یقین است کنار گذاشته شود . هرچه استهلاک
ماشین آلات وارده است کنار گذاشته شود . هرچه هزینه زندگی ما مورین
انتلیجنس سرویس است کنار گذاشته شود . آن وقت بعد از این همه ۸۴٪
کمپانی برد و ۱۶٪ مسایران . در کتاب امیرکبیر و ایران از فول لرد کرزن
چنین نوشته است :

"ما معاهدات زیاد با ایران منعقد نموده‌ایم و تعهدات زیادی قبول
کرده‌ایم و حتی سیمان ندادنی با این مملکت بسته‌ایم ولی موقع انجام
تعهدات سانه‌خالی نموده از انجام آن‌ها روگردان نده‌ایم و بالاخره هم

آن عهدآب را که خود سسهاد کرده بودم نامحصر وحبی حررداری کرده‌ام . . . فسون ایران را هم معلم نظامی داده‌ام و هم با آن حگنده و آن را سگست داده‌ام . " ۱

سرک نف حبوت حکومه و ناحه فرمول‌هایی نسفه‌های خود را اسحام می‌دهد .

سرک نف حبوت در انگلسان برای مناطق محلف کار خود در ایران مامورس مخصوص می‌روراند و آن‌ها را کارآموده و محرب بار می‌آورد و هدف معنی برای هرک از آن‌ها معس می‌کند تا به‌هروسبله که دست داد به‌سوی آن سس برآید .

برخلاف اصول تمامت و استقلال وطن ما در ناحهٔ عملات خود ادارات سیاسی ولسس اوسیفورمهٔ مسلح و سدرهای رسمی برقرار نموده‌است و با آن دسه از مامورس لسکری و کسوری که از دست بروردگان حدس سالهٔ حکوم انگلساند در سئون داخلی و امور کسوری سسین ما همه‌گونه صرفات و مداخلات نامسروع می‌نماید آزادی افامت و سکوت و مسافرت را از اهالی مناطق نف حر سلط نموده‌است در حالی که در قانون اساسی ایران صریحا می‌گوید :

"سحک از اراسان را می‌توان نفی بلاد نامع از افامت در محلی نمود . . . "

سرک نف حبوت برای اس که مان طبعهٔ کارکر بهره‌اندازد و از اسحاد اس طبعه حلوکتری به‌عمل آورد تحت فرمول " سحره‌کی و حکوم ناما " **Divide and Rule** " کارگران را به دسه‌های حدسوری قسم و یک " فورس " (سرکارکر) برای هرک از اس دسه‌ها معس می‌کند و بدین ترتیب سعی می‌کند یک قسم آرسوکراسی کارگری ولی غلام حلقه به‌گوس " صاحب " به‌وجود آورد و سربرای اس که کارگران را همسه در معرض سهدت به اجراج فرار دهد عدهٔ کسری از اسخاص سکار را که داوطلب کار هسند مدام در حلقو ادارات کارگری سرک جمع می‌کند .

۱ . عل ارکات امرکسرو ایران

این‌ها همه کارگرانی هستند که فریب تبلیغات دامنه‌دار شرکت نفت را خورده با فروش گلیم باره‌های خویش از دورترین نقاط به مناطق نفت‌خیز در حساب‌وحوی کار آمده‌اند .

محصول شرکت

در ۱۹۱۱ محصول شرکت ۴۰۰۰۰۰۰ تن بود و شرکت در ۱۹۱۲ با لایسگاه خود را تکمیل کرده و با اضافه کردن معادن جدیدی مانند گچ ساران و یازان و آغاچاری و نفت سعید هر سال بیس اربیس به محصول خود افزود . به طوری که ارمقدار ۴۰۰۰۰۰۰ تن در سال ۱۹۱۱ به ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ تن در ۱۹۴۷ و ۲۲۶۰۰۰۰۰۰ تن در ۱۹۴۸ رسید . این‌ها ارفامی است که خود شرکت آن را صدقی و مستر کرده است والا محصول به مراتب بیس از مقدار مربرور می‌باشد . امبار داری که در شرایط اسنبدادی زمان ناصرالدین شاه داده شده بود نه‌نمها هیچ‌گاه از طرف ملت مورد قبول واقع نشده بلکه همسه و هررمان احساسات ملت کاملاً با این امتیاز استقلال سکاه و عاصیانه مخالف بود . از این رو در دورهٔ دیکتاتوری که ملت ایران تحت فشار رور به رور سبب به حکومت بدبین‌تر می‌شد و دستگاه دیکتاتوری که به وسیلهٔ انگلستان حمایت و تقویت می‌شد و به خاطر تأیید و حفظ مافع انگلستان به روی کار آمده بود در ۱۳۱۲ امبار مربرور را با اسارهٔ محافل نفت جنوب لغو و محدداً به مدت سبب سال تمدید کرد . این تحدید امتنار و تعدید که در محط فشار و برور خفغان آور دوره دیکتاتوری احام گرفت حتی از طرف ورر دارایی وقت یعنی آقای نفی‌راده هم غاصبانه و ظالمانه بودن آن ناسد و صدیقی شد . آقای نفی‌راده در جلسهٔ رور سحسنه هفتم سبب‌ماه ۱۳۲۷ در اسارهٔ تحدید امتنار نفت حسین اظهار داشت :

” اعظم وقایعی که درسی سال اخیر بلکه در یک یا دو فرس اخیر در این مملکت اتفاق امعاد ظهور سخس با اقتداری بود که درحهٔ نسلط و قدرت او بر همه حیر این مملکت و حتی نفوس و اموال و اعمال مردم آن رور به رور سزاید گرفت . و عاقبت به‌حایی رسید که اگر آقایان محرم دور از آن رمان بودند من در یک رور تمام صحبت هم قادر بر تصویر کامل آن

نمی‌شدم". این شخص با اقتدار به زعم آقای تقی‌زاده بگفتا "مصمم سد امتیاز را فسخ کند و حکم برای این کار داد و واضح است که هم حکم او همیشه بدون تخلف و استننا در یک ساعت اجرا می‌شد و هم در این مورد بالخصوص که بسیار و به‌اعلا درجه خاطرس متغیر بود احدی را یارای چون و چرا و نصیحت به او نبود پس این کار اجرا نشد. اگر چه اتخاذ این طریق به این نحو به عقیده، وزرا و رجال خیرخواه ایران در آن زمان صحیح نبود و حنان که بعدها از نتیجه کار دیده سد که یکی از اشتباهات بزرگ آن مرحوم در مدت مملکت‌داری وی بود. منظورم این نیست که امتیازداری بایستی به همان حال بماند ولی ترتیب الغای آن به‌طور ناگهانی و بی مطالعه باعث بعضی زحماتی شد که این امتیازنامه جدید یا موادنا مطلوب آن محصول آن است.

آقای تقی‌زاده از مذاکرات سس از لغو امتیاز داری به این نحو نتیجه گرفت:

"در روز آخر کار بناگاه‌هایی صحبت تمدید مدت را به‌میان آوردند و اصرار ورزیدند و در مقابل هر نوع محاجه و مقاومت از طرف واسطه‌های ایرانی مذاکرات در منظور خودسان بافساری و تهدید به قطع مذاکرات و حرکت فوری از ایران کردند و شد آسحه سد یعنی کاری که ما حد نفر مسلوب الاختیار به آن راصی نبودیم."

سس آقای تقی‌زاده در تشریح اوضاع آن‌روز کسور حسین بیان کرد:

"اغلب آقایان شاهد وقایع و وضع آن عهد بودند و حقیقت مساله عیان است و حاجت به بیان ندارد و می‌دانند که برای کسی در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر ارادهٔ حاکم مطلق آن عهد نه مقدور و نه مفید بود" و آقای تقی‌زاده یکی از سازی‌گران مؤثر صحنه تجدید امتیاز نفت جنوب و امضاکنندهٔ قرارداد دنگین و غاصانهٔ تسدید تمدید امتیاز اظهار نمود:

"ساید عرض کنم که بنده در این کار اصلا و ابدا هیچ‌گونه دخالتی نداسته‌ام جز آن‌که امضای من بای آن ورقه است و آن امضا چه مال من بود و چه من امتناع می‌کردم و مال کسی دیگر بود و لابد حتماً یکی فوراً امضا

می‌کرد هیچ نوع تغییری را در آنچه واقع شده و به هر حال می‌سد موجب می‌شد و امتناع یکی از امضا اگر امتناعی ممکن بود در اصل موضوع یعنی انجام آن امر هیچ تأثیری ولو به قدر خردلی نداشت و بنده در این مورد هیچ عرضی ندارم منتهمی این است که شاید خود عمل امضا اضطراری قصور یا تقصیری سمرده سود و من عرض نخواهم کرد که امضا جعلی است و کسی دیگر امضا را عوض من گذاشته بلکه هر تقصیری در آن عمل بسیط غیراختیاری باشد خداوند خواسته بود که این تقصیر فرضی به جای سه نفر دیگر همراهان ما یاوزرای دیگر دامن‌گیر من شود و من خود شخصا " با اقرار به این که در صورت امکان بهتر بود ولو به فدای نفس هم باشند انسان از این تقصیر فرضی غیراختیاری دور و بی‌دخالت در آن بماند فرق زیادی بین امضای قلمی احباری و امضای با ورقه سفید دادن در مجلس و تصویب اجاری صد نفر اسخاص محترم که وکیل ملت نامیده می‌شدند می‌بینم و اوضاع وقت بازبان صریح حقیقت را به تاریخ آینده خواهد گفت و فرق بین اختیاری و اجبار و اضطرار را نت خواهند نمود . "

این گفتار صریح امضا کننده قرارداد است که به قول آقای دکتر مصدق نماینده دوره چهاردهم مجلس " مادر دهر خون او خاشن نزاییده " که این طور به ملت خود خیانت کرده باشد . آقای تقی‌زاده در مورد قضاوت تاریخ انتظار بی‌خودی دارند زیرا ملت ایران خود در این باره قضاوت کرده و عمل تجدید و تمدید امتیاز را خائنانه و غاصبانه و استقلال‌سکنانه دانسته است و هرگز آن را به رسمیت نسناخته و نخواهد شناخت و آنچه مسلم است امتیاز داری در سال ۱۳۱۲ لغو شده و تجدید آن بدون اطلاع و بدون رضایت و دخالت ملت ایران انجام گرفته است .

این بود مختصری راجع به تجدید امتیاز نفت جنوب . اکنون وضع کارگران نفت جنوب را تشریح خواهیم کرد .

در موءسسات نفت جنوب در حدود یکصد هزار کارگر وجود دارد که هفتاد و دوهزار نفر آن کارگر رسمی و مابقی تحت نظر مقاطعه‌کاران یعنی در امور ساختمانی کار می‌کنند .

آقایان قضاوت تعجب خواهند کرد از این که ملاحظه نمایند کارگرانی

که میلیون‌ها تن کشتی امپراطوری انگلستان را در دریاها و اقیانوس‌ها قادر به حرکت می‌سازند. کارگرانی که سوخت امپراطوری انگلستان و ده‌ها کشور دیگر را تهیه می‌نمایند. کارگرانی که غیرمستقیم باعث آبادانی جزیره انگلستان می‌شوند خود درجه‌نم به‌سر می‌برند. ابدان آن‌ها در معرض هجوم امراض مختلف، تراخم، سل، مالاریا و غیره می‌باشد و مردمان تا سال ۱۳۲۵ بین ۱۲ و ۱۴ ریال بوده و بدین‌جهت قادر به تهیه حداقل مایحتاج زندگی خود نبوده‌اند. آن‌ها مانند بدویان در جادر و یازیرحصیرمسکن دارند و تعجب خواهید کرد باوجود تبلیغاتی که این روزها مطبوعات و انتشارات شرکت نفت می‌کنند و اقدامات به‌اصطلاح اصلاحی خود را به علت سروصدای اخیر درباره تمدید امتیاز غاصبانه ۱۳۱۲ به رح مردم می‌کنند. فقط عده محدودی قریب به چهارهزار نفر که آن‌ها هم خاصیت و صف کارگری را ازدست داده اند بیس از یکی دو اطاق در اختیار آنان نیست. بقیه در راغه‌هایی که سلول‌های تنگ و تاریک رسدان سالن‌های فراخ و برنور در مقابل آن به‌سمار می‌رود به‌سر می‌برند. رطوبت این راغه‌ها آنان را مفلوح و تاریکی دخمه‌ها قوه بیابایی را از آنان سلب می‌نماید. حمام آن‌ها رودخانه کارون و لباسان گونی‌های باره‌ساره است. در سال ۱۳۲۵ که نمایندگان دولت به اتفاق نماینده سواری متحده مرکزی برای رسیدگی به احوال و اوضاع کارگران نفت جنوب به آن نواحی رفتند کارگران آقاجاری شاکی بودند که برای قریب ده‌هزار کارگر که باخاواده و عیال و اطفالشان بالغ بر ۳۰۰۰۰ نفر می‌شوند حتی یک ماهام وجود ندارد. آنان از دستمزد کم عدم بهداشت و فقدان مسکن سکایت داشتند. آنان اظهار می‌نمودند که صاحبان نفت جنوب حتی احساسات مذهبی و ناموسی و خاوادگی کارگران را در نظر نگرفته و حاضر نشده‌اند دیواری به دور کلبه‌های مقوایی آنان بکشند که لااقل زنان و دختران عریان آن‌ها را اظفار دیگران محفوظ بوده و بتوانند در کلبه خود خواب راحتی نمایند.

آقایان قصاب!

این اوضاع و احوال این زندگی این روزگار صد هزار کارگر نفت‌حسوب است. این وضعیت را غارتگران نفت حوب و امریالیسم انگلستان در

شرایطی اتحاد کرده و در حفظ آن کوشا است که طبق اظهار خودشان مطابق آمار مربوط به سال ۱۹۴۷ بالغ بر نوزده میلیون لیره سود برده داسه و ۱۵ میلیون لیره به عنوان مالیات به دولت انگلستان پرداخته. البته این رقمی است که با توجه به سن و سن کردن حسابها و عدم ذکر مقدار حقیقی اسخراج نفت ایران شده است والا ارقام حقیقی سرگنده آوربر خواهد بود.

ما سؤال می‌کنیم آیا این مقدار سود از کجا پیدا شده است؟ چگونه این سود کلان و حیرت انگیز را عمال نفت جنوب تحصیل کرده‌اند؟ چرا این است که سرمایه و ربح ملت ایران را به نفعهٔ حوس در آورده‌اند؟ چرا این است که در مقابل هفت ساعت کار و یا سرمایه‌مردی مطابق و در حوز یک ساعت کار پرداخته‌اند؟ این نصیفات این حناولها این حسابها است که وادار می‌کند دهها هزار کارگر به حسم آیند. و برای حفظ حقوق خود به مسروع برین وسیله‌ای که در فواین کار فرستاده یعنی اعصاب بوسل جویند.

این اعمال حارانهٔ امپریالسم انگلستان بود که کارگران را به مظاهر و اعتراض وادار می‌ساخت ولی رخصتکنان نفت جنوب نمی‌دانستند که مطالبهٔ حقوق قوت شده مطالبهٔ حق مسروع و قانونی و بقاضای نامس اندازی برین حواج زندگی به بها مسوع بست بلکه از یک حساب ساحه می‌سود. ادعای نامه بنظم می‌کنند و برای حفظ منافع حجاج مهاجم — حجاج غارتگر حجاج احسنی منعبر بست و استعمارگر یعنی امپریالسم انگلستان اداره کننده حقیقی نفت جنوب دادستان وادار می‌سود که آنان را محرم و حاسی به شمار آورده و بقاضای محاربات بنماید. این است طلب حواهی. این است طرر دفاع از حقوق صد هزار کارگر نفت جنوب. صد هزار رخصتکنان ایرانی. این است مفهوم وطن پرستی به رعم دستگاه حاکمه ایران.

۱. در اوایل کار شرکت اغلب کارگران می شرکت نفت ارساکس بواحی آفریقای حوسوی و هندیها بودند و کارگران ایرانی تا دسمرد روری بیم رونه (معادل یک رنال وسم آن روز) صرفاً به کارهای ساده و غیره می استعمال داسند. در سال ۱۹۲۵ کلیه کارگران شرکت نفت اعم

از هندی‌ها و کارگران ایرانی اعتصاب کردند. تقاضای آن‌ها اضافه‌حقوق به ما^۴خذ صدرصد بود. البته لازم به ذکر نیست که این اعتصاب از طرف کارگران هندی شروع و نسبت به کارگران آفریقای جنوبی و ایرانی هم تعمیم و توسعه یافته است ولی در نتیجه آن اعتصاب دولت انگلستان قشون وارد کرد و وعده‌ای از کارگران هندی و آفریقایی را دستگیر و از ایران خارج نمود و معلوم نیست آن کارگران به چه سرنوشتی دچار شدند اما کارگرانی که باقی ماندند از آن اعتصاب نتیجه گرفتند و ۷۵ درصد بر مرد آن‌ها افزوده شد. آیا در تاریخ ۱۹۲۵ یعنی درست در ۲۹ سال پیش هم حزب توده بود و با شورای متحده^۵ کارگران وجود داشت که هر یک با تبلیغات خود کارگران را وادار به اعتصاب نمایند. البته جواب این سؤال منفی است و در آن تاریخ حزب توده^۶ ایران وجود نداشت و صرفاً "فسارکار فرمایان نفت یعنی فشار و سختی فوق‌العاده معیشت و بدی شرایط زندگی موجب آن اعتصاب گردید".

۲. در سال ۱۹۲۱ یعنی درست ۲۸ سال قبل دومین اعتصاب صرفاً^۷ از طرف کارگران ایرانی به عمل آمد و تقاضای آن‌ها اضافه نمودن دستمزد بود. این اعتصاب بدون دخالت قوای نظامی و قبول نمودن شرکت به این که صدی چهل و پنج بر مزد آنان بیفزاید خاتمه یافت.

۳. مهم‌ترین اعتصاب کارگران شرکت نفت در دوره بیست ساله در سال ۱۹۲۹ میلادی که مطابق با سال ۱۳۰۸ شمسی بود به عمل آمد در این اعتصاب کلیه کارگران شرکت نفت اعم از ایرانی و هندی شرکت داشتند و تقاضای اعتصابیون اضافه نمودن دستمزد تهیه مسکن و منزل و مرخصی سالیانه و باره‌ای از این قبیل مسایل بوده است. در همان تاریخ معاون وزارت دادگستری وقت با هیاتی به خوزستان اعزام شدند. در حدود ۲۵ نفر از اعتصاب‌کنندگان را توقیف و به زندان خرم آباد بردند پس از مدت‌ها زندانی بودن عده‌ای از آن‌ها را مرخص کردند و پیمان^۸ گرفته شد که آن اشخاص به خوزستان و فارس مسافرت نکنند و چند نفر از آن‌ها را به زندان قصر بردند و بدون هیچ محاکمه و حتی بازجویی در زندان نگهداشتند تا شهریور ۱۳۲۵ که پس از مرخص شدن محبوسین سیاسی این اشخاص نیز

آزاد گردیدند .

لی آقایان دادرسان - صدها نفر ایرانی به میل و اراده کارفرمایان شرکت نفت سی از دوسال و سه سال زندانی بودن ممنوع از مسافرت به قسمت مهمی از آب و خاک این کشور می‌گردند و چند تن نیز متجاوز از دوازده سال درسیه‌چال زندان به‌سر می‌برند . در عوض دولت انگلستان و سایر سهام داران انگلیس در اسرداستن معادل کشورها تسخیر کرد و بر قلمرو خویش می‌افزاید .

۴ . در اسر اختناق سیدی که بعد از اعتصاب ۱۳۵۸ سمسبی سبت به کارگران به عمل آمد تا سال ۱۳۲۵ فقط حد فقره اعتصابات کوچکوبی اهمیت و کم نتیجه از طرف کارگران به وقوع پیوست و اعتصابی که بعد از ۱۳۵۸ سمسبی قابل ذکر اسب اعتصاب اردیبهست ماه ۱۳۲۵ کارگران آغاچاری اسب که در حدود ده هزار نفر کارگران و کارمندان شرکت نفت در ناحیه آغاچاری در آن اعتصاب شرکت کردند . این اعتصاب مدت ۱۳ روز ادامه داشت و کمیسیون مخصوصی از طرف نخست وزیر و وزارت دادگستری و وزارت سیسه و هنر به معیت نمایندگان شورای متحده مرکزی برای رسیدگی به تقاضاهای اعتصاب کنندگان اعزام گردید .

این کمیسیون گزارسی تهیه نمود و تقاضاهای کارگران را تایید کرد . بیم آن می‌رفت که اعتصاب تمام مؤسسات شرکت نفت یعنی آبادان و مسجد سلیمان و سایر نقاط سرایت کند . نمایندگان شورای متحده مرکزی از توسعه اعتصاب جلوگیری نمودند تا این که در تاریخ ۲۸ اردیبهست قانون کار که یکی از تقاضاهای کارگران بود به صورت تصویب نامه از طرف دولت تصویب گردید . کمیسیون اعزامی از طرف دولت شرکت را محکوم به پرداخت حقوق ۱۳ روزه ایام اعتصاب کارگران نمود و تقاضاهای کارگران که منتهی به اعتصاب اردیبهست گردید عمارت بود از :

۱ . اضافه مزد به میزان صد درصد .

۲ . تقاضای ساختن خانه .

۳ . تقاضای تهیه خواربار و آب و یخ از طرف کمسانی .

۴ . تقاضای دکتر و دوا و قابله .

۵. نقاصای مرد رور جمعه .

سرک بقی کسا " نقاصاهای اولیه را فوول سیزد و راجع به مرد رور جمعه بعهده گرد نه محص آن که فانون کار بصوبت سود آن را خواهد برداخب . مگر است به نظر عجب آبد که دهها هزار کارگر نقاصای اصافه مرد به میران بددرصد نماید و سرک هم فوول کند و تا این که آن گروه اسبوه نقاصای مسکن و ماوی از کارفرمایان نماید . برای این که این موضوع خوب رونس شود باچار سوچه آفانان قصاب را به سطح بندی درسهاب احسرتلب می نمایند . همه آفانان حاضر به قیمت احتیاس و مله - خواربار آساهسند اگر ده عدد سنگار اسو در بازار سهران ۲ رمال فابل خریداری بود در نواحی خورسنان کم تر از ۵ ریال و سن رمال بدست می آید . در تمام منطقه خورسنان مخصوصا نواحی بقی حصر که در بدترین نقاط خورسنان قرار گرفته و از بد آب و هوای نواحی آن کشور است سطح بندی حداقل به میران صد درصد تا اسیز از سهران است . کسانیکه به خورسنان رفته اند از این موضوع اطلاع کامل دارند .

ناحیه آغاخاری یک ناحیه کوهستانی و دهر اربابان سهرسان ها است . آب مسروب آن از ۸ فرسخی سینه می شود . ده هزار نفر کارگر در آن هوای گرم و کسیده به آب دارند و بقی و به سرق و به طبیب و حتی سانهان مختصر هم ندارند . مانند گرم - جفره های رورمنی که با دست خود حفر می نمایند رندگی می کنند . "حالا فظفا" اسطار دارند که مرد این افراد افلا در حدود روری صدرنال ساند ولی قبل از اعتصاب اردسپست دسمرید کارگران روری ۱۲ الی ۱۳ رمال بود . آیا لازم است گفته شود که این حقوق آن هم در هوای کسیده ران خوب لایموت کافی نبود . در اعتصاب آغاخاری و اعتصاب بعدی در سهران خواهان اجرای ماده ۱۷ اساسنامه سرک بقی بعهده اند که چنین است :

ماده ۱۷ . کسانیکه سگلا - و سحارج باسسان و اداره وسایل صحنی و صحت عمومی را مطابق حدیث س مرتبه حفظ الصحة معموله در ایران در تمام اراضی و اسند و مسکن اسند و عطیجات خود که در حوزه امپارنت کار می کنند به بعهده می کشند .

کارگران علاوه بر تامين حقوق و دستمزد خود به اسباب آن ماده در خواست مسکن و ماوی و رعایت اصول بهداشت می خواهد .

مصححان که درباره سايح اعصاب آفاجاری گندم سدگی ارباصاهاي کارگران آفاجاری دریافت دستمزد رورحمه بود و کارفرمایان اس بفاضا را بزرگول بد نحويت قانون کار نمودند . قانون کار هم در ۲۸ اردیبهست بد صورت مصوب نامه ابلاغ کردند و موضوع حقوق رورحمه و لروم پرداخت آن ضمن ماده ۶ بصریح گردید . اینک ماده ۶ قانون کار را قبل بی گسب :

(ماده ۶ . هر کارگر در هفته حق یک رور راحتی (جمعه) ا دارد . حسابچه به عئل فنی کار طوری باشد که کارگر در رور جمعه هم کار کند کارفرما موظف است که یک رور دیگر در هفته را به جای جمعه به کارگر راحی بدهد .)

۱۶۱ اعتصاب ۲۳ تیر ماه ۱۳۳۵ که در این کیفرخواست ذکر شده

در ساعت ۶ صبح ۲۳ تیرماه در سراسر سواحي ببحیر خورسان در آبادان و مسجد سلیمان و آفاجاری و دارخوس و کوت عبدالله و هفتکل و اهوار و سدر معسور و گیساران کلیه کارگران و کارمندان شرکت اعم از ایرانی و هندی ازین و مرد دست به اعتصاب زدند . حسابچه قبلا اسارد شد در مسجد اعصاب آفاجاری حداقل مرد کارگران از ۱۲ ریال و ۱۳ ریال به ۳۵ و ۳۵ ریال تبدیل یافت . دادن دستمزد رورحمه موکول به صورت قانون کار گردید . قانون کار در تاریخ ۲۸ اردیبهست صورت سد . ماده ۶ قانون نامبرده اجرا گردید . رورهای گرم خردادماه خورسان معاف هم سری می شد . دهها هزار کارگر معادن نفت اجرای ماده ۶ را می خواستند و همد به سورای محدده فشار می آوردند . تا این که بالاخره در رور ۱۳ تیر ماه کارگران یکی از کارگاههای شرکت آبادان اعصاب کردند . از طرف سورای محدده خورستان مامورینی برای اصاع کارگران و دعوت آن ها به آرامش فرستاده شد و اعصاب ۱۳ تیرماه با اسمبال ۹ رور خامه یافت . بدوا مدیران شرکت گفتند که باید از لندن اجازه بگیریم بعد

موکول به دستور تهران نمودند و در روزهای آخر به عنوان این که اگر حقوق ایام جمعه را برداریم در سال چندین میلیون لیره به کمائی خسارت می رسد از اجرای ماده ۶ تصویب نامه صریحا امتناع نمودند .

از روز ۱۳ تیر تا ۲۳ تیر ۹ روز فاصله بود در این مدت کارگران تمام نواحی نفت خیر منتظر اعلام قبولی تادیه دستمزد جمعه بودند و همه مصمم شدند که حاصحه تا غروب ۲۲ تیرماه کارفرمایان شرکت نفت قبولی تقاضا را اعلام نکنند در تمام نواحی مختلف تمام کارگران و کارمندان از هرملت که باشند دست از کاربکشند تاحق قانونی خود را بگیرند .

سرک نفت علاوه بر هفتاد هزار نفر کارگردارای ۸ هزار کارمند ایرانی یعنی مسنخدم حکمی می باشد . کارمندان شرکت نفت همان افراد و عناصری هستند که تحت مراقبت سدید مامورین انتلیجنس سرویس انگلستان دستگاه های اداری و فرهنگی و بهداری و فنی و حسابداری شرکت نفت را اداره می کنند و اغلب آن ها دارای عالی ترین تحصیلات از داخله کشور و خارحه مخصوصا مدارس فنی فرانسه وانگلستان می باشند .

در ساعده صبح ۲۳ تیر این هشت هزار کارمند نیز به عنوان همکاری با کارگران در سرتاسر خوزستان اعتصاب کردند و علاوه از ۸ هزار کارمند چندین هزار نفر کارگران و کارمندان هندی که عده زیادی از آن ها نیز دارای تحصیلات عالی بوده اند در اعتصاب شرکت کردند .

آیا سایسته است ما تصور کنیم که تمام ۷۰ هزار نفر کارگران نفت جنوب و ۸ هزار نفر کارمندان تحصیل کرده و چندین هزار نفر هندی در اثر تلقینات بی پایه به یکی از مرتب ترین و بانظم ترین و دامنه دارترین اعتصاب ها دست زده اند . علت بروز اعتصاب ۲۳ تیرماه را ذکر کردیم . این اعتصاب منجر به حوادث خونین شده است ولی این حوادث خوبی به دست عمال شرکت نفت انجام یافته و مامورین تعقیب در انرموانعی که برای آن ها ایجاد شده موفق نشدند که مسئولین واقعی امر را تعقیب کنند . ملا آقای سرگرد آریایی نژاد بازیرس اولیه قضیه مازور جیکاک رئیس اداره سرکسی به نواحی نفت خیز را که تحت این عنوان ساختگی در

سرتاسر خورستان و نواحی ایل‌نشین و ابراسیان عرب ریان داثما در حرکت بوده است احصار نمود. به تنها آقای جیکاک در نزد بازرس حاصر سد بلکه درانر مراجعه مسارالیه به مرکز سرگرد آریایی‌نراد تغییر یافت و سرکار ناخدا بخشایشی به سمت بازرس انتخاب گردید و برای این که سرکار ناخدا بخشایشی رویه سرگرد آریایی‌نراد را تعقیب نکند و به احصار مارور جیکاک یا کلل اندرود یا مارور فولر اقدام ننماید نامه‌ای به شماره ۱۵۰۰ مورخ ۲۵/۵/۱۵ که عکس آن در روزنامه‌های مرکز منجمله در روزنامه ظفر گراور سده صادر شد که اینک متن آن نامه :

" سرکار ناخدا بخشایش - حون درک می‌سود که نظریات خصوصی و افکار شخصی در امور دادگاه مداخله دارد نارداست هر یکی از انواع ایران که مدظر مضمون می‌رسد ماضی نیست، ولی اگر نظری سبب به اتباع خارجی ناسد بدون کوچک‌ترین تظاهر واقدامی مراتب قطعا " گراس و کسب نکلف سود. حون این قبیل جریانات سنگی بسیار بدیکی به امسب کسور دارد. فرمانده لسگر ۱۰ خوزستان سرهک ححاری."

آقایان دادرسان اولاً به مدرجات نامه دقت فرمودید. نظریات خصوصی و افکار شخصی که در امور دادگاه جریان داشته‌ه بوده که موجب تغییر سرگرد آریایی‌نژاد و تحت‌تاسیر قراردادن مامورین فصایی گردیده؟ جر این که آریایی‌نراد از نظر محتویات بروده نحقیق و بازجویی از مامورین سرکت نفت را لارم داسته و مارور جیکاک را احصار کرده‌ه اسب؟

مارور جیکاک کیسب؟ مارور جیکاک در موفع حنگ از افسران ارتس انگلیسی بوده است. مارور جیکاک در تمام مدت حنگ رابطه بین ابراسیان عرب ریان و عشایر و ستاد ارتس انگلیس و عنوان رسمی اوسیر در آن تاریخ (فیلد سکتوتی افیسر) یعنی افسر حافظ امنیت مطقه بوده اسب.

جنگ تمام سد. فیلد مارسال سرآل بروک رئیس ستاد ارتس بریتانیا رئیس هیئت مدیره سرکت نفت سد. و مارور جیکاک نیز تغییر لباس داده و به سمت ماموریت سرکنسی به نواحی نفت‌خیز خوزستان تعیین گردید. اگر خوب دقت کنیم بازی‌گران همان بازی‌گران زمان جنگ هستند و بازی همان بازی فقط پهلوان‌های صحت‌ه تغییر لباس داده عنوان مارسالی از سر آلن

بروک حدف و مارور حنکاک به مسرحنکاک تبدیل کردند .

آقایان دادرسان طو اساد و مدارک مسلم و موجوده در برویده
اعصاب خورسان اس نقشه سوم و این توطئه رسب یعنی آدم کسی و عارب
صرفاً به دست مامورس انگلسی و برای بدنام کردن کارگران که گناهی جر
مغاضای احقاق حق ندانستند انجام یافته است .

و اس آقایان حی مایل بودند و نصمیم داسند تک حرانکاری
محصوری نم در الاستگاه سعاند باهمان را وسله و دساور فرار داده ب
مداخلات نامسروه که مخالف با حاکمیت واسفلال کسپر عرپر ما ایران
است مدارک سعاند . اس بطلب ممکن است موجب سعحت سعاند دادرسان
گردند ولی اس امر بی سابقه نیست . اساد رسمی سب اس موضوع است .
در کتاب سعربانه خورسان که به ساه سانی سبب داده شده و به عللی که
از دگر آن ها خودداری بی کسم از اسسار آن حلونگری سمودت . سن
بلیکرافات رمز مامورسی سیاسی دولت انگلرس عبا" به سعورب کراور به طع
ربانده شده است .

در بلیکراف رمز سعارده ۱۱۶ "سنم روئس ۱۹۲۳ آنای کاسان بیل

سبب اس احوار به مامور سیاسی دولت انگلرس در بوسهر می بگارد :

" در بلیکراف دوم سبب اس حسن اظهار عقیده کرده اند که سبب سالیون
در احوار ویک سالیون در میدان سنون کافی است در سمورنی که سبب سالیون ها
و اعرب سیر به ماکنگ ساند اما سن معتقدم که در مواقع سبب سالیون ها
سبب سالیون از اعرب سیر کار سوانعم داسست . به اس لحاظ سن طرفدار اس
عقده سبب که سبب سالیون دحیره کافی از اسلحه و مهمات و وجود بفروسای
سبب سالیون خود بدهیم تا اس اعمال قوای هوایی که ارکان حرب عراب
می بوند به احسبار ما سداید و اس محدودیت آن سبب سالیون سبب سالیون .

اگر ادله سن صحیح سبب سالیون در سبب سالیون بلکه حیاتی به سبب سالیون رسد
به سبب سالیون الی ده سبب سالیون مقدار سبب سالیون مهمات در سبب سالیون
سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون
به سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون .

در حدود ۳۰ سبب سالیون که سبب سالیون سبب سالیون سبب سالیون و سبب سالیون

اسد درکات " سرنامه - حورستان " عیا گزار و سرد اسد و یک تک آن ها نایب می کند که حکومت مامورین ساسی انگلیس می خواستند در معادن نفت خرابکاری کنند و بدان بهانه فسوس وارد نمایند .

طبق اسناد رسمی که کشف شد رویه و طریقه ساسی مامورین دولت انگلیس در ایران به بهانه حفظ معادن نفت در کدسه معلوم شد سراسر سپریور ۱۳۲۵ که قسود دولت انگلیس سرزمین ررحسوزسان را اسغال نمود و سرتاسر خوزسان در تحت استلا و فدرت کامل آمان فرار گرفت . کارگران سرکت نفت که معتقد به لروم کمک به معقبن برای جفط آزادی و دموکراسی جهان بودند هرکوبه عسار و سکه های را محمل و حرفی می کردند تا حنگ خانمه یاب .

تقریبا اوایل بهار ۱۳۲۶ حورستان ظاهرا از مامورین نظامی سخله سد ولی آنترک و نحرکات ساسی و اتحاد دستهای مسلح به نام اتحادیه عسار حاسین سربره گردید . مسلح بودن عسار امری اسد مسلم و برونده های اعتصاب خوزسان برار اسادی اسد که آن را نایب می کنند ملا در نامه شماره ۹۵ مورخه ۱۳۲۵/۴/۳ سپهریای حرمسهر به سپهریای آبادان نصریح شده اسد که :

" ساعت ده روز قبل عده ریادی از عسار در حدود هفت هزار نفر با سرحم های رنگارنگ مربوط به طوایف مختلف که کلمه نصر می الله و علامت سمسیر با سیروخورسید اسد در حرمسهر نمایین دادند و به عرسی فریاد می کردند " آنحه می خواستیم خدا یوما داد " .

این تظاهرات برای چه بود؟ هفت هزار نفر به نام عسار آن هم مسلح معلوم اسد ناخذ حد اصیب آن منطقه رانهدند می کرد . مهم تر از این گزارش بیانات سرگرد فانح فرماندار نظامی وقت می اسد که در سیردهمین جلسه دادگاه حمایتی رسیدگی به اعتصاب حورستان صرحا " اظهار داشته اسد :

" فرضیه دیگر یعنی احتمال قوی این بود که دستجات مسلحی به آبادان هنگام اعتصاب هجوم آورند . و بدین ترتیب آبادان را مرکز سورش و انقلاب قرار دهد . این احتمال و فرضیه منکی به اطلاعیه "

قطعی لنگر متبوعه مستند به اطلاعات وزارت جنگ بود که به این سده قبل از وقوع حوادث آبادان واصل شده است. بنابراین به هیچ عنوان آن اطلاعیه را این بنده نمی‌توانست با تردید مورد توجه قرار دهد. این که دوستان محترم آن اظهار اطلاع را دروغ محض تلقی فرموده اند صحیح نیست زیرا گذشته از این که این بنده استدعا دارم آن اطلاعات را از لنگر اهواز و سوابق نادگان آبادان بخوانند و مورد بررسی قرار دهند برای مزید اطلاع به عرض می‌رساند مدتی کوتاهی ساید کم‌تر از سه ماه قبل از وقوع حوادث آبادان، خرمسهر از طرف شیخ عبدالله نامی از سران شیخ خزعل در نقطه‌ای به اسم خزعلیه مورد تهاجم قرار گرفت. خزعلیه که در تیررس خرمسهر است عده ای مهاجم آن را اسفال نمودند لنگر اهواز ناچار شد وسایل سنگینی از قبیل توپ ۱۰۵ کوتاه برعلیه آن عوامل و عناصر بکاربرد و فرمادهی و معاونت لنگر وقت آن‌ها ناچار بوده است تمام منطقه خرمسهر و آبادان را با سربازان موجوده حفاظت نماید.

سرگرد فاتح بیانات خود را مستند به اطلاعات رسمی لنگر ۱۰۵ و وزارت جنگ نموده است و با صراحت بیانات او دیگر جای تردیدی درباره توطئه‌ای که بر ضد تسکیلات کارگران و درعین حال تمامیت و استقلال کشور تهیه شده بود باقی نمی‌ماند. فرماندار نظامی آبادان و فرماده نادگان آبادان و خرمسهر صریحا "اظهار داشته است سه ماه قبل از وقایع آبادان شیخ عبدالله سر شیخ خزعل خزعلیه را با عده ای مسلح اسفال نموده.

سهربانی خرمسهر گزارش می‌دهد که در دوم تیرماه یعنی ۲۰ روز قبل از وقایع هفت هزار نفر با برحم‌های رنگارنگ در خرمسهر تظاهرات نموده و نعمه‌های مخالف آغاز کرده‌اند. مقارن همان ایام شیخ عبدالله با چند نفر خانی دیگر به اتحادیه اعراب خاور میانه مراجعه کرده و از تعدیات دولت ایران سکایت و اپالت خوزستان را که جزء لاینفک این کشور است ناحیه عرب‌نشین معرفی نموده و درخواست تجزیه خوزستان و الحاق آن به اتحادیه اعراب کرده است. کار به جایی رسید که شیخ جاسب فرزند دیگر شیخ خزعل برضد عملیات برادر خود تلگرافی به دولت ایران و

تلگراف ذبل را به جمع ملل عرب به قاهره به عنوان عزام ناسا دبیر اتحادیه اعراب به زبان عربی مخابره نمود و روست آن برای استحصال دولت ایران به تهران فرستاد. اینک ترجمه فسمتی از تلگراف مزبور (قاهره توسط جناب آقای عزام ناسا دبیر کنگره عربی کمیته جناب آقای نخست وزیر. کمیته مجلس عوام و جندی کمیته دیگر).

لازم است تذکر داده شود که هیچیک از رعای خورستان حاضر نیستند به میهن خود خیانت کنند این دوفتری که به شما مراجعه کرده اند به ندرسان و میهسان خیانت کرده اند و خیانت بیسه می یاسند. این که مدعی هستند از طرف عسایر خوزستان سمت نمایندگی دارند ادعایی دروغ و خلاف واقع است. نامه هایی که در دست این دو خیانت بیسه است یا قبلا فرستاده شده جعلی است)

س از انتشار این تلگراف در جراید سیخ زهرا و لیدر اتحادیه قلابی عسایر و حاج علی فیصلی و عبدالکاظم فیصلی بلافاصله درصدد برآمدند که تلگرافی از سیوخ اعراب بررد تلگراف سیخ حاسب به عنوان اتحادیه اعراب تهیه و مخابره نمایند و برای انجام این منظور همین افراد خیانت کار و عده دیگر در عراق جلسه تشکیل داده و سپه باقرنام نراری را با بروده ای که صورت جلسه و تصمیمات متحده در آن بود به خرمشهر فرستادند تا اقدام به جلب سیوخ اعراب نمایند. این شخص به محض ورود به سهر از طرف مامورین حکومت نظامی دستگیر می شود ولی سس آزاد می گردد و متاسفانه اسنادی که مثبت خیانت آنان بود از دست می رود با در نظر گرفتن این حوادث روسن می سود که کارفرمایان شرکت نفت بدوا خودسان شیخ عبدالله را با عده ای اعراب مسکوک الهویه به زور وارد ایران کنند سس به تحریک قبایل و دادن بول و اسلحه به عده ای مردم خائ و پس دست زدند و بالنتیجه حوادث خونین ۲۳ تیر را ایجاد کردند در فرمانداری غیرنظامی آبادان بروده ای موجود است که حاکی است که دوبه ای اسلحه به قاچاق برای تحویل به عسایر از طریق حفاربریم که محل بارانداز دوبه های شرکت نفت است وارد آبادان می شود. فرماندار غیرنظامی به پاسار لثالی رئیس شهربانی آبادان مراجعه می کند و درخواست

باررسی و ضبط اسلحه را می‌نماید معذک با این که شماره دونه هم تعیین شده بود جریانی بیس آمد که رئیس سهربانی موفق نگردید که صدوق‌های ملو از تفنگ و فسنگ را ضبط نماید و حاملین اسلحه را توفیق کند . اکسوس ببینیم چرا سرکت نفت در روز سیرده تیرماه برای حواب رد یا مول پرداخت دستمزد روز جمعه ۹ رور استمهال کرد در صورتی که هم از نظریات هیات مدیره اطلاع داست و هم وسایل مخاراتی سریع در اختیار او بود . برای کسب نظر لندن یا تهران بیس از یکروز وقت لازم نداس و از طرفی هم یقین داست که پس از انقصای مدت مقرر اعتصاب عملی خواهد سد . بنابراین طوری نقشه کسد که روز اول اعتصاب مصادف با روز ۱۵ شعبان تولد حضرت حجت باسد . و از طرفی دسک مقدمات تسکیل اتحادیه عسایر " حرب کناورزاں " را نهیه کرده و در رور ملاد حضرت حجت مجلس حسی هم به عنوان تولد و هم به ماسب افتتاح کلوب عسایر تسکیل داده و بادیه‌سینان و طوایف مختلف اعراب را از فصبه سادگار و حریره حاحی سلبوخ و غیره به آبادان آورده و در ضمن با تحریک احساسات مذهبی و تبلیغات سوء علیه کارگران نائره شورش و بلوا را مسعل سارد و عدهای کارگر را در خاک و خون بغلطاند . و به دست همان اعراب خرابکاری محتصری هم در بالایسگاه انجام دهد . مجموع این مقدمات را بهانه و دستاویز مداخلات نامسروع خود نماید . به همین ماسب افتتاح کلوب عسایر در رور ۱۵ شعبان (۲۴ تیر) اعلان و آگهی سد و یک مرته کارفرمان سرکت نفت متوجه سدند که در تطبیق تاریخ شمسی با قمری استناه کرده و آخرین روز مهلت ۲۲ تیرماه یعنی ۱۳ شعبان خواهد بود و اعتصاب در رور ۲۳ تیرماه یعنی ۱۴ شعبان واقع خواهدسد و افتتاح کلوب عسایر و جس در روز ۱۵ شعبان رور افتتاح کلوب عسایر را تغییر دادند . از همین نظر سین شیخ زهرا و شیخ حداد و سایر سیوح اعراب اخلاف حاصل سد ولی نظر شیخ حداد که اداره کننده امور مالی و رابط مستقیم با سرکت سعت بود بر عقیده ساین غلبه کرد و بالاخره تصمیم بر افتتاح کلوب عسایر و انعقاد مجلس جشن به روز ۲۳ تیرماه گرفته سد تا از سطر تصادف ساولین روز اعتصاب و تحریک احساسات مذهبی موفق به انجام مقصود خود گردسد .

اس موضوع را سرکرد فلاح درامدای گه به لستر ۱۵۰ سوسه تصریح کرده است. مسیبه شاه را به کردن و بوقی فرمابدار عسرتظامی آبادان انداخته و در آن نامه سوسه است:

" بوقی فرمابدار عسرتظامی با گرمین وحده از حسین‌گری و کمک او ایبار بحه حسن‌گری و سرکا را به عایت می‌دهد و به‌علاوه باهمین کمک و مسورت ناسر حرب عسایر را به عنوان تبدیل نمودن به اسخاده، کساورران با اطلاع غلی از تاریخ اعصاب کارگران با روز اعتصاب تطبیق می‌نماید."

همسر سرکرد فلاح درصوم نارحوسی خود بیان نموده است:

" آقای و بوقی فرمابدار عسرتظامی امساح کلوت عسایر را طوری با ایراد اسکالاب به‌ناخبر انداختند که درست با روره‌های اعصاب کارگران برحورود کند و آبادان را برای حسرم رحم کارگران به خون آشن بعلطاند. " آقای سرکرد فلاح که درامر وطیعه فرمابدهی نادانان از حرمان برری به‌حوسی اطلاع داشت مستحصر بود که بوقی فرمابدار عسرتظامی اصولا کوخکسر از آن بود که درسررمبر حورسان و درفظه‌های ماسد آبادان سحفا " جنس بقسد وسع و عمیقی را سبیه و طرح نماید و موجبات آبر حوادت و حسناک را تراشم کند. ولی درصفحات بعدی بازحوسی خوب در برد ناررس حقیقت را فاس کرده و صریحا " گنه است:

" قبل از روز ۲۳ سر اس‌خاناب اطلاع داشتیم که اعراب مسلح ممکن است از خارج به آبادان وارد شوند و درسهر حورس و بلوا راه‌سارابد. " در آخرین دفاع بیان کرده است:

" وقتی که سمسب ۲۳ نیر رئیس نظمیه از این‌که فردا اعصاب می‌شود به من اطلاع داد من دستور دادم تا نظامیان بالاستگاه را حفظ کنند و مانع از ورود اعراب مسلح در آبادان شوند. "

اتحادیهٔ عشایرچیست؟

دادستان دادگاد رسیدگی به اعتصاب حوزستان تاحدی این موضوع را روس کرده است و مراجعه به پرونده- مربوطه قصیه را به خوبی واضح

می‌کند. اجتماعی که از مستی خائن تسکبل شده بود یک روز به نام "اتحادیهٔ عشایر" و یک روز به نام "حزب کشاورزان" و روز دیگری نام "حزب عشایر وابسته به دموکرات ایران" تظاهر می‌کردند و بیاسیه‌منتسر می‌نمودند در بیاسیه‌ای که به ربان عربی به طبع رسانده و منتشر کردند پس از مقدمات طولانی تصریح کرده‌اند:

" ما از شرکت نفث تقاضا می‌نماییم که مساعل نفث به اهالی خوزستان و آبادان واگذار شود و کارگرانی که از خارج به این سرزمین خورستان آمده‌اند فوراً اخراج گردند."

علاوه از بیانیه‌ای که به زبان عربی به نام اتحادیهٔ عشایر منتشر گردیده بیاسیه‌هایی نیز به زبان فارسی چند روز قبل از وقوع حوادث به نام اتحادیهٔ عشایر انتشار یافته. در این بیانیه چنین نوشته شده است:

"مانیز می‌دانیم عناصر سودطلب و مزدوران غارت‌گری هستند که هر لحظه به شکلی درآمد و از فعالیت آرادای خواهان جلوگیری می‌کنند ما منتظر فرصتی هستیم که این‌گونه عناصر نایاک را با آب‌های غسل‌دهنده و تلیفات مفیده هدایب نموده و در صورتی که مفید نیفتد خورد و نابود کنیم."

تصور می‌رود که لازم به توضیح نباشد که جمله "آب‌های غسل دهنده" یک جملهٔ فارسی نیست و در این قبیل موارد از نظر ربان فارسی هیچ‌گونه مفهومی ندارد و از طرفی نه سیخ زهرا می‌توانست به خلف آل صفر، بیانیه به ربان فارسی انسا کند. مسلم این است که این بیانیه بدواً به زبان انگلیسی نوشته شده و یکی از کارمندان شرکت نفت آن را ترجمه کرده و به نام اتحادیهٔ عشایر منتشر شده است. صرف‌نظر از این نکته دقت فرمایید تصریح می‌کنند:

" که ما منتظر فرصتی هستیم که این عناصر نایاک را خورد و نابود کنیم."

کدام فرصت بهتر از این که اعتصاب عمومی هفتاد هزار نفر کارگر و قریب ده‌هزار کارمند در روز ۲۳ تیرماه شروع شود. با طرح مقدمات قبلی

در خیابان بهلوی آبادان اجتماعی از افراد مسلح به نام افتتاح کلوب
عسایر و یا تسکیل مجلس جشن حضرت حجت فراهم گردد و شروع به
تیراندازی سود چه فرصتی!

همین فرصت بود که آن افراد ناصالح به دستور اربابان خود منتظر
آن بودند و در نتیجه بیس از سجاه نفر کارگر ستم دیده را باتیر خود و
مامورین انتظامی کستند و در حدود ۱۷۳ نفر را مجروح نمودند. همین
حوادث موجب شد که عده زیادی یا به اتهام خلاف واقع و یا به استناد
ماده ۵ قانون حکومت نظامی در سیاه چالهای زندان افتاده و خانوادهها
برباد رود. نکته اساسی این است که شورای متحده آبادان پس از انتشار
یافتن این بیانیه و استحصار از نقشه‌های سوم کارفرمایان نفت و خامت
اوضاع را درک کرد. در روز ۱۴ تیرماه دو نفر از اعضای شورای متحده را
مامور نمود که تلگرافخانه رفته و با نماینده نخست وزیر وقت تلگراف
حضور نمایند. آن دو نفر در همان روز موفق به تلگراف حضوری گردیده
و تلگراف زیر را به مرکز مخابره نمودند که آقای دکتر فاطمی معاون نخست
وزیر و نمایندگان شورای متحده از تلگرافخانه تهران جواب دادند.
اینک قسمتی از تلگراف و جواب آن:

" شماره ۷۵۹ جمعه ۱۴ تیرماه تلگراف حضوری از آبادان
- نماینده نخست وزیری، آقای روستا، دکتروجودت شرکت
نفت به جای این که به تقاضای کارگران ترتیب امر دهد
دست به تحریکات دامنه‌داری که بدون شک مخارج این
تحریکات به مراتب افزون‌تر از نصف تقاضاهای کارگران
است رده ولی از آن جایی که این شرکت دارای سیاست
معین " ایران بر باد ده " است که سالها است به کاربرده
اکنون عده‌ای از کنتراتی‌چی‌های خود و چند نفر جاسوس
را به تحریکات میان عشایر عرب زبان واداشته و فعالیت
سدیدی برای تشکیل اتحادیه عشایر و بخش اسلحه میان
عسایر و تطمیع افراد آنها ادامه دارد و اکنون سرتاسر
خوزستان متسنج است... چنانچه اقدامات فوری نشود

هبات اعرابی به حورسان اعراب برگردد فایح وحسی
حاصل خواهد شد. برست، صفوی.

سایح :

"آنادان - آهانا، برست، صفوی - آقای دنگر فاطمی
معاون جناب آقای محبت وریر در لنگرآباد حضور
دارند. جواب خواهند داد اتخاذ تصمیم به عمل آمده
است و نسبت به سایر مطالب مستقیماً با جناب آقای
الوراء - مذاکره می‌نمایم از فرارسامه مطلع می‌گردید، روسا
دکتر خود."

وفی کد داسان سنج بداللد و سنگل احادنه عسار و اسار
سایدهایی که به عرض رسیده است و اظهارات سرکرد فایح را صبی بره خود
تصمیم مطلق بر حمله مستقیم اعراب را بدآنادان - نادلیل و فراج، خود
تسویه کشم دنگر هیچ بود در مانی نمی‌باشد که نقشه از کجا باشد، طرح
خود، حمله به بوفع امر اولی است.

سرینک لمالی برست، به مانی آنادان صریحاً به سرکت عده رسیده
است:

"برطبق آنچهی فلان آبر سرکت عده، بادی بیگانه آنادان
آورده به هم روره برای کار مباحثه می‌کنند کاری به آنها داده نمی‌شود در
سهر برکت سرف و اسما، - لاف انظام می‌سپرد لازم است کسب
سنگل و در این باب تصمیم نهایی گردد."

اما سرکت مستقیماً به سرکت اسرار در آنادان توجه کنند و
در صورت مقصی برای احاطه با مورد استفاده قرار گیرند
به نامه مدخیر داد.

مخوبات رسیده به سرکت اسما، سده از سرکرد فایح و برهان
مهاجر روس می‌کند که سرکت اسما، ۲۳ برماه سرکت به فکر امرایه این
بیگاران افتاد بر سر مستقیماً به سرکت اسما، وجود بیگاران
احضاحی بداست، به برای سرکه، فرساده، آبها علاوه از بولی کد
داد از بواهی نظامی که در اسما، فرماندار نظامی بود اسما، کرده طرح

کشدگان نفسه همه اسباب کار را به حوسی جمع کرده بودند. دسنور افتتاح کلوب عسائر در سبب جنس نولد حضرت حجت مصادف با اولین روز اعتصاب عمومی جمع آوری سنگاران و ولگردان مقارن باهماں ایام در آبادان تحریک عسائر و ایرانیان عرب زبان به این که کلیه مشاغل مربوط به کمسانی باید به اهالی خورستان واگذار شود. امیدوار کردن کارگران به این که دستمزد رور جمعه ناده خواهد شد و گرفتس ۹ روز مهلت برای حل این موضوع در لندن ولی در عین حال سببه مقدمات جهت محبذ کردن اعراب و تحریک و تهییج آنان هر یک از اثن عوامل به نسهایی برای وقوع یک حاده خونین کافی بوده است.

اما حربان حاده حونس عصر ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ از این قرار است که دو نفر از کارگران برای سرکسی به کلوب های خود خواستند با اتومبیل از جلوی کلوب عسائر عبور کند. عده ای از افراد اتحادیه عسائر با کمال حسود از عبور آنان ممانعت نموده و بلافاصله سیدمحبذ خراسانی با اسلحه کمتری که دارا بود سیراندازی کرده صدای نیر به کلوب ها رسیده و "عورا" سهرت یاعت که حیدر از کارگران که با اتومبیل از جلوی کلوب عبور می کردند با اسلحه گرم کسه شدند. عده مخنصری از کارگران که ردیکس به محل سیراندازی بودند بدون دستور به طرف کلوب عسائر رفسد شروع سیراندازی از طرف کلوب عسائر و رمس عده ای کارگر به طرف کلوب موجب شد که ولگردان و عناصر مسکوکی قبلا به وسیله شرکت نف جمع آوری شده بودند برای احام نقشه و احرای منظور به طرف کلوب احاده عسائر هجوم برسد.

گذسته از نامه رئیس سهرسانی به شرکت نف مسی بر این که ورود سنگاران در آبادان بر حسب آگهی های شرکت نف موجب عدم امنیت گردیده اصولا دادستان نظامی وقایع خوزستان معقد است که این بلوا و سوری بر حسب نقشه های قلبی مامورین دولت احام باخته و آقای دادستان و خود ولگردان رباد را هم امرارکار و وسایل ایحاد نامسی معرفی کرده است. حبان که در باب انهام سرگرد فاتح فرماندار نظامی می نویسد:

"طبق محبوبات بروده و به موجب سرحی که به عرض رسانیده است

سرگرد احمدفاتیح که در روز ۲۳ تیرماه از اعتصاب کارگران و افراد اتحادیه عسایر و وجود ولگردان حداکثر استفاده را نموده تا حدامکان اجرای جرایم را تسهیل می‌نماید.

و در بند ۴- از فصل مربوط به اتهام سرگرد فاتح دادستان مرقوم داسته است:

"بازرس داشت قراین و امارات که ایجاد تحقیقات را در زمینه بیگاران می‌مود شروع به تحقیقات گردید که نتیجه آن بر دادستان ثابت نموده است که در روز ۲۳ تیرماه بیگاران خارج سده از آبادان در تحت حمایت فرماندار نظامی و سهربانی در غارت خانه‌های حداد و کویتی بیگار بودند و از برتو وجود این بیگاران بوده است که افسانه حمله به سهربانی به وجود می‌آید. سرگرد فاتح طبق اعتراف صریح که نموده است بدون انجام کوچک‌ترین تسریقاتی متجاوز از ۵۰۰ نفر را از آبادان خارج نموده است که آن نفرات با دلایلی که به عرض رسانیده و بنا به اوضاع و احوال برونده در جرایم روز ۲۳ تیرماه شرکت داشته‌اند.

به نظر دادستان کسای را که سرگرد فاتح از آبادان اخراج نموده است در روز ۲۳ تیرماه از عوامل قویه در تسنج شهر بوده‌اند. و در این مورد رابطه فرماندار نظامی با سرپرست سهربانی آبادان بسیار نیکو بوده و دو مقام نام برده رویه مسرکی داشته‌اند. " سرگرد ستاد احمد فاتح با سمت فرماندار نظامی آبادان در روز ۲۳ تیرماه اجرای جرایم را تسهیل و با ماسرین جرم کمک کرده است. با فلج نمودن نیروی نظامی ولگردان آبادان را به فعالیت واداسته و پس از انجام مقصود به منظور محو آثار اقدامات خود آن هارا با زبردستی هرچه تمام تر از آبادان اخراج می‌نماید." آقایان دادرسان - با در نظر گرفتن آنچه که دادستان دادگاه نظامی رسیدگی به اعتصاب در باب همکاری فرماندار نظامی و رئیس سهربانی و وجود روابط نیکو در کیفرخواست نوشته‌اند روشن می‌گردد که حوادث خونین به دست ولگردان و عسایر که تحت حمایت فرماندار نظامی بوده‌اند انجام یافته و پس از ختم غائله بدون این که تعقیب شوند آن ها را از آبادان خارج کرده‌اند تا آثار جرم محو شود.

بنا بر آنچه گفته شد در این که توطئه وتبانی شدید از طرف کارفرمایان شرکت نفت تهیه شده بود که به دست ولگردان و اتحادیه‌ء عشایر آبادان را در خون بکشند و چشم‌زخمی از کارگران بگیرند جای تردیدی باقی نمی‌ماند و آقای دادستان دادگاه رسیدگی به اعتصاب در چهل و پنج صفحه از کیفرخواست خود چنین اظهار عقیده نموده است که تمام این حوادث به دست ولگردان و اتحادیه‌ء عشایر به تحریک و حمایت فرماندار نظامی و رئیس شهربانی انجام یافته است .

نسبت به عده‌ء مقتولین و مجروحین پرونده‌ء کار کاملاً روشن نیست . آنچه مسلم است ۱۷۳ نفر با اسلحه‌ء گرم مجروح شده‌اند . این موضوع در گزارش سرهنگ تورج امین به عنوان نخست وزیر وقت در پرونده موجود است . عده‌ء مقتولین که دقیقاً معلوم نیست متجاوز از پنجاه نفر بوده است ولی همان کسانی که باروت را تهیه کرده و آتش زده‌اند با سرعت هرچه تمام‌تر جنازه‌ء مقتولین و جسد نیمه جان عده‌ای از مجروحین را به نام مقتول در کامیون‌ها ریخته بدون معاینه و انجام تشریفات قانونی شبانه به خرمشهر برده و حتی بدون رعایت تشریفات مذهبی دو گودال حفر کرده و تمام اجساد را اعم از مقتول و نیمه‌جان در دو گودال ریخته‌اند . این مقتولین و مجروحین چه اشخاصی بوده‌اند؟ حتی مطابق گزارش سرهنگ تورج امین در حدود دوسوم (دوتلث) از مقتولین و مجروحین از کارگران بوده‌اند و قسمت مهم بقیه هم از اتحادیه‌های پیشه‌وران و غیره وابسته به کارگران بوده‌اند .

چنانچه آقایان قضات به دقت محتویات پرونده را مطالعه کنند متوجه خواهند شد که پس از تیراندازی سیدمجید در کلوب عشایر به طرف کارگران و اجتماع عده‌ء زیادی از ولگردان و بیکاران که بنا به عقیده‌ء دادستان نظامی تحت نظر مامورین انتظامی جمع‌آوری و حمایت و اداره می‌شدند و رفتن عده‌ای کارگر به طرف کلوب عشایر جهت استحضار از حال رفقای خود و اقدام به تیراندازی شدید از طرف اتحادیه‌ء عشایر و مامورین شهربانی و فرماندار نظامی هیولای اغتشاش و ناامنی و هرج و مرج به نحوی که منظور رؤسای شرکت نفت بوده در قسمت مهمی از آبادان

خودمایی کرد. دیگر به هیچ وجه کارگران مؤثر در اوضاع و حفظ امنیت سوده‌اد و همان ولگردان و بیکاران دست به غارت کلوب‌عشایر و خانه‌ء حداد و یوسف کوپبی رده‌اد. حناحه خود دادستان واقعه‌ء اعتصاب در فصل انهامات مربوط به سرگرد فاتح صریحا " اظهار عقیده می‌کند و می‌گوید :

" عدم جلوگیری از غارت خانه‌ء حداد واقع در صد قدمی سهریانی و غارت حابه‌ء کوپبی واقع در چند قدمی آن دلیل بر این است که بیکاران با به دلخواه مقامات نام‌برده بیکار نبوده‌اد و نیز محاصره‌ء شهراسی ماسور ولگردان بوده که سهریانی رویه خود راست به عدم جلوگیری از غارت‌ها و فصل حسین گری موحه بدانند . "

این اظهار عقیده صریح ارطرف دادستان نظامی تصدیق به این است که ولگردان و بیکاران تحت تاسیر و نفوذ سورای متحده‌ء کارگران نبوده و دیگران آن‌ها را اداره می‌کرده‌اد .

آقایان دادستان! مرگ زحمت‌کسان و گناه استمارگران هیچ کدام در نظر هبات حاکمه اهمیت ندارد. به نحوی که بیرونده‌ء امر حکایت می‌کند سیراندازی سیدمحمید در ساعت ۴/۵ بعدازظهر شروع شد و در ساعت ۶ بعدازظهر که درماه تیر در آبادان تقریبا یک ساعت و نیم به غروب اسب فصای افراد عسار و سیراندازی مامورین انتظامی در نهایت شدت بود تا ساعت ۸/۵ بعدازظهر منحاور از دویست نفر با ترتفگ ازسای درآمدند . عده‌ای مفتول و عده‌ای مجروح شدند . فرماندار نظامی بست دستگاه تلفن دائما با رئیس شهراسی و کلانتری‌ها و فرماندار غیرنظامی و دواور مرکزی آبادان و کارفرمایان سرکت نفت درتماس بود معذک در بارجویی حتی در حقیقات دادگاه اظهار داشته اسب که درسب ۲۴ تیرماه ساعت ۱۱/۵ که بلعوبا " خبر قتل حسین گری داده شد من فقط از کسته سدن حسین‌گری و حداد اطلاع پیدا کردم و از این که کسای دیگر کسته و یا مجروح شده باشند خبری نداستم .

کارگران و زحمت‌کسانی که کسه و یا مجروح شدند آن اداره در جامعه ما ادرس نداستند که آقای فرماندار نظامی از کسته سدن آن‌ها اطلاع بدهد .

حربان عمل و تنظیم برآمده امر به حوی روس می‌کند که افراد رحمت‌کس به نظر عمال هیأت حاکمه اررس ندارد والا چگونه ممکن بود محرکین و مسبین و ماسرس کسارسیس اره ۵ کارگرو محروح سدن ۱۷۳ نفر کارگر و رحمت‌کس به کلی فراموس سوید و مقامات قضایی عددهای دیگر ار همان رحمت‌کسان را تحب بعقب درآورده و آن‌ها را محرک سال و با معاون در صل حسین‌گری معرفی نماید. اس جریانات مطلوب به قدری بعمیم و نوسعه یافت که حتی آقای سرهنگ مهدی و دادستان اس دادگاه فقط و فقط منوحه کسه سدن حسین‌گری و حداد بوده و ار سایرین کوچک‌ترین اسمی سرده و بادی نکرده اس و این بوده اس سجهای که کارگردانان رالو صف صف حبوب درسی حصول آن بوده‌اند ونه خوبی به دست آورده‌اند.

آقایان دادستان. خلاصه برآمده‌های متعدد و بطور که در اطرافی اعصاب ۲۳ برماه ۱۳۲۵ خورسای سسکل نامه آن اس که در روز ۲۳ برماه ۱۳۲۵ صل و حرح شایی به عطل آمده و اموالی عارت گردیده. موحدین صل و حرح و عارت معرفی سدن. عاملین غارها سرار طرف دادگاه رسیدگی به امر اعصاب مورد بی‌گرد فرار گرفته و مساور ار ۳۸ نفر از مهمن به عارت را محاکمه و اغلب را محکوم کرده‌اند و هیچ یک ار آنان ار کارگران منسب به احادبه کارگران بوده‌اند.

سبب به قتل‌ها و محروح سدن اسخاص آقای سرکرد ناح در آخرین دفاع در برد ناربرین صریحا " گفته اس :

" در اس جا ما مورین یکصد و سجاه نفر را مقول و یا محروح می‌کسد مگر اس اقدام نیست. مگر باید تمام سپر را مفرح سوید و تمام مردم را کسب؟ چه اقدامی سدیدتر ار این ممکن اس به عمل آورد."

در حد سطر بعد ار این بیان آقای سرکرد فایح جان کرده اس :
 " این همه مردم بیچاره که کسنه و رخمی کرده‌اند مثر کافی نیست که بارهم اقدام عملی را آقای دادستان خواستار سدن. اس‌ها در قاموس اسان اقدام نظری اس؟"
 در صفحه بعد می‌گویید :

" اگر اینها به حای من بودند چه اقدام عملی می‌کردند چند هزار نفر را دستور می‌دادند بکشند؟ "

با این بیان و در نظر گرفتن مسلح بودن افراد اتحادیهٔ عسایر و دق در عبارات بیانیه اتحادیهٔ عسایر به این که :

" ما منتظر فرصت هستیم که این‌گونه عناصر ناک را به آب‌های غسل دهنده یا به تبلیغات مفیده هدایب نموده در صورتی که مفید نیفتد خورد و نابود کنیم . "

آیا جای تردید باقی می‌ماند که کستار از کدام طرف شده است؟

ادارهٔ شهربانی مقدار فسنگ مصرفی از هر یک قسمت‌های خود را صریحا" به مرکز گزارش داده که عدد قابل ملاحظه‌ای است . سرگرد فاتح نیز اظهار داشته که سه گروه نظامی مسلح برای کمک به شهربانی فرستاده است . آیا با رهم می‌توان تصور کرد افراد اتحادیه کارگران و اعتصاب‌کنندگان شروع به قتل نموده‌اند؟

غارت را حسن بهمن سارق معروف و سایر سارقین و ولگردان مرتکب می‌شوند . کیفرخواست جداگانه‌ای برای آن‌ها تنظیم می‌گردد ، محاکمه و محکوم می‌شوند . قتل‌ها و حرح‌ها را سرگرد فاتح ناشی از تیراندازی مامورین انتظامی معرفی می‌کند و بسابه بیان آقای دادستان نظامی و گزارش شهربانی عسایر هم مسلح بوده‌اند و بازی‌گران مهم این صحنه نیز در پشت برده رسته‌های حساس را در دست داشته و همه را به حرکت درمی‌آورند . آیا باز هم جای آن باقی است که زحمت‌کشان خوزستان و یا شورای متحده مرکزی مورد اتهام قرار گیرند؟

اعتصاب چگونه پایان یافت؟

صبح روز بیست و چهارم تیر پس از استحضار از جریان اعتصاب خوزستان به وسیله تلگراف حضوری نمایندگان شورای متحدهٔ مرکزی آقای نخست وزیر و معاون ایسان را در عمارت نخست وزیری ملاقات کردند . ضمن این ملاقات پس از مذاکراتی که دربارهٔ حوادث خونین

خوزستان به عمل آمد قرار شد بعدازظهر همان روز هیاتی از طرف دولت به اتفاق نمایندگان شورای متحده^۶ مرکزی به خوزستان برود و جریان امر را فیصل بخشد. ساعت ۲ بعدازظهر هیاتی به عضویت آقایان معاون نخسب وزیر و احمد آرامش و نقفی مدیرکل وزارت پیسه و هنر از طرف دولت و دکتر رادمنس و دکترجودت از طرف شورای متحده^۶ مرکزی به وسیله^۷ هواپیما به جانب خوزستان سروز کرد. ساعت ۵ بعدازظهر همان روز وارد فرودگاه آبادان شدند و بلافاصله اقدامات اولیه^۸ خود را برای بررسی اوضاع آغاز کردند. در همان دقائق اول اعضای هیات احساس کردند که سر راه آن ها مشکلات بزرگی ایجاد شده است و از جانب کارکنان کمپانی و عمال ایرانی^۹نمای آن ها برای جلوگیری از اختتام مسالمت^{۱۰}آمیز اعتصاب کارسکی^{۱۱}های فراوانی به عمل خواهد آمد. مصباح فاطمی عامل نسان دار و رسوای شرکت به کمک سرگرد فاتح فرماندار نظامی آبادان و سرهنگ لثالی رئیس سهربانی آبادان به هیچ وجه مایل نبودند اعتصاب با مسالمت بایاں یابد و سروصداها خاتمه پیدا کند. آن ها می^{۱۲}خواستند با استفاده از موقعیتی که ایجاد کرده بودند و با اتخاذ خصمانه^{۱۳}ترین رویه ای که ممکن بود نیاب سوء^{۱۴} کارگردان^{۱۵}های انگلیسی شرکت را مسی بر انهدام کامل تسکیلات شورای ایالتی اتحادیه^{۱۶}های کارگران و رحمکنسان خوزستان کاملا اجرا نمایند. به همین جهت پس از ورود هیات به آبادان نیز اعمال خسونت^{۱۷}آمیر خود را ادامه دادند و تمام نقاط سهر را از روی نام^{۱۸}های منازل کارگران و دیوارخانه^{۱۹}ها در معرض تهدید مسلسل^{۲۰}های سبک و سنگین نگه داشتند. خیابان^{۲۱}های سهر و بسیاری از مراکز عمومی^{۲۲} و معابر سهر به وسیله^{۲۳} سربازها و افراد مسلح بلیس اشغال شده بود و همه جا برق سربیزه^{۲۴} به جسم می^{۲۵} خورد.

وقتی معاون نخسب وزیر نمایندگان کارگران خوزستان را برای مذاکره احصار کرد سرگرد فاتح گستاخانه و بدون سروا اطلاع داد که عده^{۲۶}ای از آن ها در توقیف هستند و اصافه کرد که بقیه نیز توقیف خواهند شد. و تردد حسوراه^{۲۷} این شخص در مقابل معاون نخست^{۲۸}وزیر نسان می^{۲۹}داد که حامیان دیگری برای خود می^{۳۰}سازد و درساه قدرت آن^{۳۱}ها از مقررانی که قانون

کسور ما برای او و امال او تعیین کرده اسب روایی ندارد. بالاخره بعد از اسکال تراسی های فراوان حد نفرار نمایندگان را از زندان تحت نظر مامورینی که با مسلسل های سبک مسلح بودند به زنداعصای هیات راهمایی کردند و مذاکره بین هیات اعرامی و نمایندگان کارگران شروع شد. آنان خواستار احرای کامل قانون کار درباره کارگران نفت و رسیدگی کامل به کشتار بی رحمانه ۲۳ نفر بودند. آنان توضیح دادند که چگونه نقشه این توطئه به وسیله خود شرکت طرح و به وسیله اتحادیه عسارویه دستکاری عناصری مثل مصباح فاطمی و سرکرد فاتح و سرهنگ لثالی برای ایصال ساختن حقوق کارگران و ارباب آنها ترتیب داده شده و به قتل عده کسری از مردم سی گناه و زحمتکس منجر گردیده است.

نمایندگان کارگران را سی از این مذاکره باز با همان وضع به زندان انتقال دادند. در حالی که مصباح و اعوان و انصارس حی از احصار بسیار موءدانه نمایندگان کمسانی برای مذاکره نیر عاخر بودند و دائما عذر می آوردند که اینها گناهی ندارند و آدم های 'محترم' و "حق و حساب دانی" هستند. برادران زحمتکس ایرانی ما را تحقیر و نوهس می کردند. در زندان نگه می داشتند و وحسیانه به گلوله می بستند و درمعال به تجلیل و تکریم عمال بیگانه شرکت می افزودند.

موقعی که مذاکره با نمایندگان کارگران خانمه یافته بود و اعصای هیات در عمارت فرمانداری مسعول رسیدگی به کارها بودند ناگهان در سهر صدای سلیک سدیدتر به کوس رسید و وقتی علت آن سؤال شد جواب دادند که برای متعرق ساختن کارگران تیراندازی شده است. فرماندار نظامی در مقابل اعتراض اعصای هیات که حرا با وجود قضایی بی رحمانه دیروز بارهم به قتل تمام مردم برداخته اند جواب داد که وظیفه دارد تیراندازی کند و اگر به حای جهل نفر دیروز هزارعبر هم کسته می شدند او بازهم "وظیفه" خود را احام می داد. حون اصرار اعصای هیات برای خاتمه دادن به این وضع به جایی نرسید بصمیم گرفتند خودشان درمحل حاده حضور پیدا کنند و وضع را از نزدیک مورد توحه قرار دهند درنتیجه با این که همه حاضرین آن هارا به

احتراز از خطر حانی توصیه می‌کردند بدون این که به تهدیدات عمال شرکت واقعی بگذارند به محل حادثه رفتند و با این که در راه با تیراندازی خدعه‌آمیز افراد مسلح روبرو شدند توانستند نیرنگ شرکت را بلا اثر بگذارند و از وقوع احتمالی زد و خورد خونین دیگری که به تحریک مصباح در سرف انجام بود جلوگیری کنند. قصد عمال شرکت از این توطئه این بود که هم هیات اعزامی و هم کارگران را یک بار دیگر مرعوب کنند و ضمناً آن‌ها را به ایجاد بلوا و شورش متهم سازند.

فردای آن روز بنا به درخواست مصرانه اعضای هیات بالاخره نمایندگان کارگران از زندان آزاد شدند و دومرتبه با آن‌ها درباره تفصاهایی که داشتند مذاکراتی به عمل آمد. بعد از این ملاقات از طرف معاون نخست وزیر نامه‌ای به شرکت نفت نوشته شد که بعداً در روزنامه‌های مرکز منجمله در روزنامه ظفر درج گردید و برای استحضار آقایان قصات قرائت می‌شود:

" تاریخ سه‌شنبه اول مردادماه ۱۳۲۵ "

شرکت نفت انگلیس و ایران .

به طوری که مستحضر هستند در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ قانون کار از طرف هیات وزیران تصویب گردید و از همان تاریخ در سرتاسر کشور لازم‌الاجرا گردید. موافق مفاد ماده ۶ قانون کار مقرر گردیده که در صورتی که کارفرما دستمزد روز جمعه را به کارگر نپردازد موظف است حقوق هفتگی او را طوری بپردازد که دستمزد شش روز کار معادل دستمزد هفت روز باشد. و نیز طبق تبصره ۱ ماده ۲۴ قانون کار مقرر شده است که حداقل دستمزد کارگران به اقتضای نقاط مختلف کشور باید طوری باشد که تأمین هزینه زندگی و عائله او را بنماید.

میران حداقل دستمزد در نقاط مختلفه توسط هیات مذکور در ماده ۳۱ در اول هر سال برای مدت یکسال معین و با تصویب شورای عالی کار به موقع اجرا گذارده خواهد شد. چون برای تعیین حداقل مرد طبق تبصره استنادی فوق‌الذکر با حضور نمایندگان شرکت نفت و کارگران دولت در وزارت بینه و هنر مذاکراتی به عمل آمده و نسبت به مقدار جیره که

جهت تامین معاش روزانه کارگر غیرماهر و عائله‌اس ضروری تشخیص داده شده طبق صورت مجلسی که به امضای نماینده شرکت نفت هم رسیده موافقت حاصل گردیده است و نظر به این که بهای جیره مزبور به ریال با در نظر گرفتن نرخ فعلی اجناس در خوزستان قطعا بیش از میزان ۳۵ ریال پرداختی فعلی روزانه یک کارگر می‌باشد لذا مقرر گردید که شرکت نفت ایران وانگلیس نکات زیر را به موقع اجرا بگذارند.

۱. مزد روز جمعه عموم کارگران شرکت نفت باید از تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ که تاریخ اجرای قانون کار می‌باشد پرداخته شود.
۲. به مجرد این که موافق ماده ۳۱ قانون کار با در نظر گرفتن صورت مجلس استناد به فوق الذکر حداقل دستمزد کارگر تعیین و ابلاغ گردید باید مزد کارگران شرکت نفت مطابق میزان مزبور از تاریخ اجرای قانون کار پرداخته شود.

نظر به این که مقتضیات امروزه و مخصوصا توجه خاص دولت به اجرای قانون کار و تامین حقوق کارفرما و کارگران ایجاب می‌کند در تامین زندگی و آسایش بهداشت کارگران به طور کلی مساعدت و تسهیلات بیستری فراهم گردد یقین است شرکت نفت ایران و انگلیس با منویات اصلاح طلبانه و مترقی دولت در اجرای مقررات قانون و مخصوصا رعایت و اجرای مفاد ماده ۱۷ امتیازنامه شرکت تسریک مساعی کامل نموده و موجب امتنان دولت را بیش از پیش فراهم خواهد ساخت. از طرف نخست وزیر - مظفر فیروز

به این ترتیب دستمزد روزهای جمعه که برطبق قانون مورد تقاضای کارگران بود پرداخت سد و اجرای تقاضای دیگر آن‌ها در مورد ازدیاد حداقل دستمزد و مراعات مفاد ماده ۱۷ امتیازنامه ضمانت گردید و در نتیجه اعصابی که برای احراز یک حق قانونی کارگران آغاز شده بود اگرچه در امر توطئه امیرالیهست‌های انگلیسی و عمال ایرانی‌نمای آن‌ها به اعتصاب خونین تبدیل یافته بود با موفقیت کارگران شرکت نفت خاتمه پذیرفت و شرکت نفت که با وجود همه تسببات حسن و خلاف قانون خود برای اولین مرتبه در مقابل سیروی دسته جمعی گروه بزرگی از زحمتکشان ایران زانو

به زمین زده بود درصدد انتقام جویی برآمده و با استفاده از مقررات حکومت نظامی صدها تن از فعالین اتحادیه‌های کارگری خوزستان را تحت فشار قرار داده عده کثیری از آن‌ها را اخراج و تبعید کرد. عده‌ای را به زندان انداخت و برای عده‌ای نیز چنان که شرح داده شد پرونده‌های بی‌پایه و اساسی ساخت و آن‌ها را به محکمه کشاند ولی در محکمه اکثر آن‌ها تبرئه شدند و بقیه نیز پس از مدت کوتاهی از زندان آزاد گردیدند. این اعمال انتقام‌جویانه شرکت برای عده زیادی از کارگران خوزستان فوق‌العاده گران تمام شد و خانمان عده زیادی از زحمتکشان میهن ما را پریشان ساخت. عائله‌ها از هم پاشیده شد و خانمان‌ها به باد رفت تا از این به بعد کسی جرأت نداشته باشد از منافع ملت و میهنش و حقوق مسلمی که در کشور خود دارد دفاع کند. این شیوه‌ای است که همیشه شرکت به کمک مزدوران ایرانی‌نمای خود به کار برده است.

به طوری که قضات دادگاه ملاحظه می‌فرمایند هزارها نفر از هموطنان زحمتکش ما در سخت‌ترین شرایط به روی گران‌بهاترین تروت ارضی ایران عزیز ما کار می‌کنند و حاصل جان‌کندن آن‌ها به صورت سیل طلائی سیاه به خزانه‌های کنار رود تایمز سرازیر می‌شود برای تأمین حداقل مایحتاج زندگی. برای استرداد قسمتی از حقوق مشروع خویش برای مطالبه تروت دزدیده شده ملت ایران به قانونی‌ترین وسیله یعنی به اعتصاب دست رده‌اند. عمال ایرانی شرکت نفت با کمال بی‌رحمی با گلوله به آن‌ها جواب گفته و عده کثیری را مجروح و مقتول گردانیده‌اند. ولی قضیه به آنجا خاتمه نیافته است و شرکت نفت برای این که ریشه افکار حق‌طلبی ملت ایران را برآورد اینک حزب توده ایران را که پیوسته بزرگ‌ترین بستنیان مطالبات ملت ایران و راسخ‌ترین مبارز میدان استعمار بوده به دست آقای دادستان به پای میز محاکمه کشانیده است. ما متهمیم زیرا که در موقع وقوع اعتصاب آبادان از حقوق کارگران ایران دفاع کرده‌ایم. ما متهمیم زیرا که با گشتار ایرانیان زحمتکش مخالفت ورزیده‌ایم. ما متهمیم زیرا که شرکت نفت را به خوبی شناخته و آن را به ملت ایران به خوبی شناسانده و برضد منافع استعماری آن با کمال شدت مبارزه کرده‌ایم.

ما به این اتهامات افتخار می‌کنیم و یقین داریم که هر رنگی که به
واقعیات مبارزات ما زده شود و هر رایی که در این محکمه اتخاذ گردد در
افکار عمومی ملت ایران خللی وارد نخواهد آورد و حزب توده ایران در
پیشگاه قضاوت ملت ما سربلند خواهد بود.

www.iran-archive.com

دز نسریه، وزارت کار که به قصد "محکوم کردن" حزب توده، ایران و سورای متحده، مرکزی کارگران انتشار یافته چند مساله از اسناد حزبی و سدبگایی منتشر شده است. بخشی از این اسناد صورت جلسه‌های فعالس و کمیته‌های حرسی است که به دست بلس افتاده و به وزارت کارساهنسازی - شعبهٔ تدلیغایی بلس - منتقل شده است. تعدادی نیز اعلامیه و آگهی است که در آن سال‌ها درخوزسان از طرف حزب و سورای متحده در خوزستان بخش شده و بلیغات ماهسازی آن‌ها را به دلیل این که صد سرکت نفت و ضداستعمار است جرم و حساب تلقی نموده است.

نسریه، وزارت کار سورای متحده ایالتی کارگران و زحمتکسان خوزستان را به دلیل این که علیه سرکت استعماری نفت و علیه فرماندهان خودفروخته ارتس اعلامیه داده و سربازان را از نیراندازی به سوی کارگران منع کرده است محرم می‌داند و مدعی است که اس‌گونه کارها "سیاسی" است و سندیکا نباید در سیاست دخالت کند.

وزارت کار شاهنسازی با صراحت نماب می‌برسد:

" آیا سورای منحده، کارگران و زحمتکسان آبادان برای مبارزه با سرکت نفت انگلیس و ایران به وجود آمده و آیا از طرف دولت ایران سانسدگی داس که در اعمال سرکت مزبور نظارت کرده و اداره‌کنندگان آن را به وظایف خود آشنا سازد؟" ۱

به رعم و رارب کار ساهساهی، خادم استعمار انگلیس، اتحادیهء کارگران
و رحمتکسان خورستان می‌بایست با کارفرما (شرکت نف انگلیس) برای
سهبود وضع کارگران !! همکاری کند نه این که علیه آن شرکت برخیزد.
ما در زیر برخی از اسنادسدرحه در این نسریه را از صفحات ۱۲ تا
۲۲ نقل می‌کنیم :

www.iran-archive.com

اخطار به عموم کارگران شرکت نفت آبادان و توابع

اعلامیه شورای متحده کارگران آبادان

از حندی بیس به این طرف شرکت نفت انگلیس برای مخالف و کار-
سکنی را نسبت به قانون کار گذاشته و سابر این شرکت مزبور برای انجام
نقسه‌های بلید خود دست به تحریکاتی زده است محمله عده‌بی از کارگران
قدیمی زحمتکس که سال‌های دراز سروی خود را برای منافع سهام‌داران
شرکت صرف کرده‌اند و مخصوصا اعصای فعال اتحادیه‌های کارگری را
می‌خواهد به عباوینی متفرق نموده یا از کار اخراج کند. شورای متحده
کارگران آبادان به نمایندگی فاطمه کارگران شرکت نفت در ضمن اظهار
مخالفت و تنفر نسبت به این رویه حق‌کشی شرکت در عین حال مراتب را
به نماینده رسمی و صلاحیت‌دار دولت که در این مورد ریاست سارطان
بازرسی کار خوزستان است تذکر داده و مسارالیه اظهار داشتند که دولت
جدا " تصمیم گرفته است که قانون کار را به مورد اجرا گذاشته و مطابق
مفاد آن عمل خواهد کرد. و بنابراین جای هیچ‌گونه نگرانی نیست و
راجع به کارگرانی که شرکت نفت به عباوین مزورانه اخراج نموده و یا
می‌خواهد اخراج کند نماینده دولت قول دادند که از روز تصویب قانون
کار یعنی از تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ کلیه کارگرانی که شرکت نفت
اخراج کرده است در شورای کارگاه قضیه آنها مورد رسیدگی قرار خواهد
گرفت و چنانچه معلوم شود که شرکت نفت برخلاف قانون آنها را اخراج
کرده و یا این که نسبت به آنها اعمال نظره‌های خصوصی کرده است دولت
ایران شرکت نفت را ملزم خواهد کرد که کارگران نامبرده را به کار خود
مراجعت داده و مرد روزهای بیکاری را کاملا دریافت دارند.

بنابراین شورای متحده کارگران آبادان به کلیه اتحادیه‌های

وابسته دستور می‌هد که فوراً صورتی از اسامی کارگرانی که از تاریخ ۲۸ اردیبهشت تاکنون اخراج شده‌اند تنظیم نموده و به شورای متحده آبادان ارسال دارند تا قضیه در شورای کارگاه مطرح و مورد رسیدگی و حکمیت قرار گیرد بقیه کارگرانی که بدون عذر موجه از کار بکنار شده‌اند می‌توانند همه روزه به شورای متحده آبادان رجوع نموده نام خود را برای رسیدگی در شورای کارگاه ثبت کنند تا به نوبت رسیدگی شود اتحادیه‌های وابسته مخصوصاً مؤتلفه که اسامی کارگران فعال تسکلاتی را معرفی نموده و اعمال نظرات خصوصی شرکت و کارفرمایان را درباره آن‌ها کاملاً مرفوم دارند با دراین باره تحقیق گائی عمل آید زیرا شورای متحده کارگران آبادان به دستبندی عموم کارگران خورسازان و ایران حداصم گرفته است که دست شرکت نفت را از دخالت در کارهای سیاسی و اعمال نظرات مخالف با تسکیلات و اتحادیه‌های کارگری برای همیشه کوتاه سازد و آن را به یک مؤسسه اقتصادی و تجاری محدود کند.

— زنده باد نیروی اتحاد کارگران ایران

— شورای متحده کارگران و زحمتکشان آبادان

خوزستان در چنگال استعمار

شورای متحده اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان آبادان که در تحت رهبریت سیاسی یگانه حزب نیرومند و آهنین حزب توده ایران که پس از چند سال مبارزه زیرزمینی که توأم با فداکاری و شجاعت‌های بی‌پایان بود و اکنون چند ماه است مبارزه علنی خود را با اعمال سودپرست و چپاولگر که ملت ایران را عموماً و خوزستان عزیز را خصوصاً زیر منگنه فشار گزارده به مستعمره تبدیل کرده است برای استحضار عموم ستم‌دیدگان فلاحین کارگران پیشه‌وران و روشنفکران آزادی‌خواه اعلام می‌دارد که :

احزاب و اتحادیه‌های قلابی و بوسالین که از ظاهر آن باطن سیاه و کیف آنان روشن است به وجود می‌آورند و از این مصحک‌تر برای کسب وحشه و اغفال مردم از نام برافتخار حزب توده ایران و شورای متحده کارگران و زحمتکشان سوءاستفاده کرده و خود را منتسب به ما می‌دانند و با وارد کردن اسلحه اسخاص و اهالی را تهدید می‌کنند غافل از این که ساکنین خوزستان که عمری را در زیر فشار و زحمت طاقت فرسا به سر برده‌اند از این بیستر گول آن‌ها را نخورده و در عوض ستاد اردوی خود شورای متحده کارگران و زحمتکشان را تقویت می‌کنند زیرا کارگران و زحمتکشان و دهقانان و روشنفکران و پیشه‌وران الی کنون به خوبی نسخیص داده‌اند که این مزدورانی که امروز به اغفال مردم پرداخته‌اند دیروز با انتساب به مقامات خارجی غارت‌گری همان محافل کمک‌می‌کردند و امروز که سرنشینان دلیر خوزستان اعلام جهاد مقدس خود را کرده‌اند این ریزه خواران برای احرای ماموریت و منویات اربابان خود به این گونه اعمال مرتکب می‌شوند و تنها ماسک ظاهر فریب دیگری به صورت زده‌اند

بنابراین ما برای آگاهی خاطر هم میهنان عزیز تصریح و تاکید می‌کنیم که هیچ دسته یا حزب و یا جمعیتی که توسط این قبیل اشخاص برای منظورهای پلید و مخوف و مخرب کردن توده‌ها از مبارزه مقدس خود به وجود می‌آید هیچ انتسابی با شورای متحده^۶ کارگران و زحمتکشان آبادان و یا حزب توده^۷ ایران ندارند و ما همچنان که خود را برای گرفتن حقوق غصب شده توده‌های کثیر در قلب کتیف دستگاه خانمان برانداز وارد درمبارزه خود کرده و در راه حصول پیروزی به پیش خواهیم رفت.

— پاینده باد اتحاد کارگر و دهقان

— زنده باد اتحاد زحمتکش و روشنفکر

— پاینده باد شورای متحده^۶ کارگران و زحمتکشان سنگر شکست‌ناپذیر

آزادی‌خواهان

شورای متحده^۶ اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان آبادان

www.iran-archive.com

خطاب به سربازان ارتش

بیانیه شورای متحده آبادان

سربازان عزیز .

هیچ سک و شبهه‌یی نیست که شما توده سربازان ارتش برادران عزیز و گرامی ما کارگران و زحمتکسان ایران هستید که طبقات حاکمه برای حفظ آقایی و سیادت خود و برای این که ما طبقات کارگر، زارع و سینه‌ور را در زیر یوغ بردگی و اسارت خود نگاه‌دارند شما را با اسلحه و تعلیمات سربازی مجهر کرده که منافع خود را در مقابل تقاضای تودهٔ زحمتکش حفظ کنند .

شما سربازان عزیز می‌دانید که در ارتش چگونه با شما رفتار می‌کنند و از حیث وضع غذا، لباس و رفتار، افسران آرشد چگونه شما را در زیر فشار و محرومیت و بدبختی و گرسنگی نگاه می‌دارند به ما طبقهٔ کارگر و زحمتکش ار کارفرمایان بی انصاف خود همان رفتار و همان معامله‌ای که به شما در ارتش تحمیل می‌کنند به ما نیز تحمیل می‌نمایند .

ما تقاضاهای قانونی و حق مسروعی داریم که می‌خواهیم این حق را به دست بیاوریم و برای به دست آوردن آن از راه اتحاد و تسکیلات وارد شدیم ما نه اسلحه‌یی جز اتحاد در دست و نه حربه‌یی جز تصمیم و ایمان تزلزل‌ناپذیر داریم .

شما سربازان عزیز برادران زحمتکش متوجه باشید و گول دشمن طبقه زحمتکش را نخورید آن‌ها می‌خواهند شما را به کشتن برادران خود یعنی ما کارگران و زحمتکشان سوق دهند و برای حفظ منافع انگلیس‌ها شما را آلت دست قرار دهند .

سربازان عزیز اجازه ندهید که آن‌ها منظورهای شوم خود را عملی سازند و شما را آلت دست قرار دهند از تحریکات افسران مرتجع جدا

تصحیح ضرور

لطفاً در صفحه ۶۶ این کتاب (حماسه ۲۳ تیر)، پس
از سطر ۹، جمله زیر را اضافه کنید:
«نشریڈ یاد شدہ وزارت کار در «توضیح» این بیانیہ،
نوشتہ است:»

برحذر باشید و فرمان‌های خلاف قانون و عقل و منطق را اجرا نکنید
دستورات ارباب‌های انگلیسی را که توسط بعضی افسران مزدور به شما
داده می‌شود اجرا نکنید و بدانید که تمام تودهٔ میهن پرست و وطن
دوست و عموم طبقات زحمتکش ایران پشتیبان نیرومند و یار باوفای شما
هستند.

— زنده باد ارتش

— زنده باد سربازان آزادی‌خواه

— زنده باد اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران

شورای متحده کارگران و زحمتکشان آبادان

شورای متحده به سربازان دستور عدم اطاعت اوامر مافوق را می‌داد
و از این‌که در میان سربازان پاک و دلیر ایران تفرقه بیاندازد ابا نداشت .
این بیانیه شورای متحدهٔ ایالتی خوزستان نیز نشان می‌دهد که
شورای متحده کم‌تر به مسایل مربوطه به کار و کارگر پرداخته ، بیشتر به
حل مسایل سیاسی می‌پرداخته است .

خطاب به عموم اهالی خوزستان و آزادی خواهان کشور

نهضت‌های مترقی و مبارزات طبقه مظلوم که برای به دست آوردن حقوق مغضوبه خود و کسب آزادی و استقلال طبقات ستم‌دیده دنبال می‌نمایند بی‌وسه در کشورها مصادف با دسایس و تحریکات غاصبین بوده و همیشه سعی کرده اند حتی با کشتار دسته‌جمعی توده‌ها را از هم متلاشی و اعمال نارویه و ظالمانه خود را جاری نمایند .

در کشورما استعمارطلبان خارجی، رضا قزاق را به اریکه سلطنت نشاندند و با راهنمایی کردن او نقشه‌های ماجراجویانه خود را برای مدت بیست سال انجام داده سراسر کشور ما را به قبرستانی تبدیل و شدت ظلم را تا حدی ترقی دادند که با پیس آمد واقعه سوم سپریور ۲۵ رضاخان از ترس انتقام ملت فرار را بر قرار ترجیح داده و به دامان اربابان خود گریخت. در طی حکومت رضاخان مردانی که برای آزادی توده‌ها برای کسب حقوق خود مبارزه می‌نمودند یکی س از دیگری دستگیر و به تبعیدگاه‌ها و سیاه‌چال قصر قاجار افکنده شدند .

حکومت رضاخان در طی عمر منحوس خود به ملت ایران معنی زجر و ظلم و فشار و محرومیت را چشاند و توده‌ها را برای یک رستاخیز عظیم ملی آماده کرد فرار ناخفه گریزیا و از طرفی ندای قهرمانان گم‌نام وطن که در انزوا یا در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها به سر می‌بردند طنین‌انداز شد و هم‌میهنان خود را به شرکت در مبارزه طلبیدند .

مشعل آزادی در میان دریای ظلمت سو سو می‌زد و ملت ایران که تشنه اصلاحات و آزادی و استقلال بود به گرد آن جمع شد و با مبارزه لاینقطع که توام با جان‌بازی و فداکاری‌های شگفت‌آور بود دامنه

نهضت و رستاخیز ملی را در سراسر کشور تعمیم دادند ولی همان طور که در بالا اشاره شد دشمنان ملت مزدوران خارجی استعمارطلبان بیگانه که بیداری توده‌ها را مرگ خود می‌اندیشند به انواع فشار و دسایس متوسل و در هر نقطه از کشور ایران این دسایس به نوعی خودنمایی نمود ارتجاع داخلی به راهنمایی استعمار خارجی که انجام مقاصد خود را در ربر لفافه‌های فریبنده مواجه با شکست دید نقاب خود را بالا زد و در سال گذشته حمله خود را به دستیاری سرلشگر ارفع جاسوس مارک‌دار بیگانه که ریاست ستاد ارتش را به عهده داشت شروع و باقوای نظامی اتحادیه و حزب نیرومند و آزادی‌خواه توده‌ای ایران را در تهران اشغال نظامی نمود و با این عمل به خیال خام خود اندیسیدند که با اشغال چند دستگاه و زندانی کردن چند نفر نسکیلات عظیم و نهضت مترقی ما را که پایه‌های آن در قلوب توده‌های وسیع ستم‌دیده‌ایران گذارده شده خورد کرده‌اند ولی همچنان که انتظار می‌رفت و به بیوت بیوس به تنها بر تسکیلات ما نتوانستند خللی وارد کنند بلکه به انجام این عمل ماهیت خائنانه خود را بهتر نمایان و در نتیجه توده‌های محروم با ایمان راسخ سیل وار به تسکیلات ما روانه و سیل تنفر عمومی عاملین آن فجایع از قبیل سیدصیاءها، دستی‌ها، ارفع‌ها... را که نوکران خاص و سندگان حلقه به گوس استعمار خارجی بودند خورد و درهم سکست. کارگران نفت جنوب که به قیمت خون خود ماشین‌های جهان‌گشایی ارتجاع بین‌المللی را تغذیه و تقویت می‌نمایند و به باداش در زیر شکنجه و فشار مستقیم امیرالیسم خارجی دست و پا می‌زنند با همکاری کلیه اصناف سکنه خوزستان برای کسب حقوق صنفی و ملی خود مبارزه تاریخی خویش را شروع نمودند ولی شرکت نفت که برای سالیان دراز بدون هیچ مانع و کنترلی به چپاول و یغماکردن بروت ملی ما و استعمار توده‌های ایرانی اشتغال و با اعمال مفوذ در کلیه شعبون اداری ما برخلاف کلیه مواد امتیازنامه و همچنین بدون مراعات تمامیت و استقلال سیاسی کشور در امور داخلی ما دخالت نموده نمی‌خواهند در مقابل خویش قدرتی از ملت ایران ببینند که با نیروی اتحاد طلب حق خویش می‌کند بنا بر این

به دستیاری مامورین سیاسی خود از قسبل مازور جیکاک و کلنل آندروود و عده‌بی ار کنتراتجی‌های مره‌دار خود را به نام اتحادیهٔ موهوم عسایر مسلح واقعۂ جریان خوسین ۲۳ تیرماه را به بار آورد و بارهم برای به دست آوردن دست‌آویز سیاسی جهت مسروع وانمود کردن مقاصد بلید خود به کمک مامورین ناصالح و وظیفه ناساسی که طوق‌بندگی سگانه به گردن نهادہ‌اند و موفقیت خود را در تجزیه و نابودی کسور می‌دانند اقدام به تحریکات و دسایس گوناگون نموده ولی سورای منحدۂ ابالتی کارگران و زحمتکشان خوزستان به نمایندگی صدها هزار نفر سکهٔ این استان جدا برعلیه این‌گونه دسایس اعراض و اعلام می‌دارد که ما به تنها به این نوع‌حیلہ و تزویرهای سیاسی ش‌در می‌دهیم بلکه مصمم‌تر و قوی‌تر برای مقاومت آمادہ‌ر می‌سویم و ار کلیۂ سرو و قدرت تسکیلات کارگری ایران که واسته به سدیکای جهانی و توسط ۷۱ ملیون کارگران جهان پشتیبانی می‌سود کمک می‌گیریم درخاتمہ به عموم اهالی و سکهٔ خورسان که در طی مبارزات اخیر وحدت ملی خود را بر علیه ظلم و جور به‌مصصۂ ظهور رساسندند اعلام می‌داریم که به هیچ وجه به تحریکات و شایعات مفروضه و سم‌ناسی‌های حائین و مردوران اجاب گوس ندهید و نا امان به این که موفقیت به طور یقین از آن ما خواهد بود کمافی‌السابق در حفظ نظم کوسا بوده و بامتاب و خوسردی که خاصه طبقات مظلوم است بقسه‌های بجریه‌طلبانه دشمن را خسی نمایید .

شورای متحدۂ ابالتی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان خوزستان - آبادان

موفقیت اعتصاب را به عموم زحمتکشان تبریک می‌گوییم

رفقای کارگر هرچند در اسر تحریر و دسیسه‌ استعمارطلبان و بعضی از مزدوران آن‌ها زد و خوردی میان عده‌ از کارگران و برادران عرب زبان ما در گرفته و تعداد زیادی از کارگران که مورد حمله‌ مسلحانه قرار گرفته بودند کشته و زخمی شدند و خون‌های بی‌گناهی تنها برای مطامع بیگانگان به زمین ریخت ولی با وجود این بیس آمدهای اسف‌آور ما توانستیم موفقیت‌های مهمی به دست آوریم .

۱. اعتصاب ما ثابت کرد که یک تشکیلات منظم کارگری با اراده و سطق قوی در خوزستان مبارزه را برای گرفتن حق خود آغاز کرده است .
۲. این که ما با اعتصاب خود در سراسر خوزستان قدرت تشکیلات منظم خود را به کسانی که می‌نداشتند اتحادیه‌ ما تنها برای یکی دو روز است ثابت کردیم که این قدرت اقتصادی سعه آتش مقدس جاودانی است و تانبل به مقصود خود به هیچ قیمتی از فعالیت باز نخواهد نشست .
۳. سرمایه‌داران و پادشاهان بی‌تاج و تخت نفت مجبورند در سیاست خود این تشکیلات با عظمت را به حساب بیاورند .
۴. طبق دستور معاون سیاسی نخست وزیر شرکت نفت بایستی از ۲۸ اردیبهشت (۸ جمعه‌ قبل) حقوق جمعه‌ کارگران را بپردازد .
۵. بعد از تصویب حداقل دستمزد در کمیسیون کار مرکز شرکت موظف است که این اضافه را هم از ۸ هفته قبل (یعنی از تاریخ تصویب قانون کار) بپردازد .
۶. شهدای راه آزادی با ریختن خون مردانه خود ریسه درخت آزادی را آبیاری کرده و آن را سرسبز و شاداب نمودند اکنون بعد از این

- همه فجایع تشکیلات به عظمت ما بیس از پیش مستحکم تر و فولادی تر شد .
- درود بر شهدای راه آزادی
 - نیرومند باد شورای متحدهء کارگران و زحمتکشان آبادان
 - زنده باد برادران آزادیخواه عرب زبان ما پاینده باد ملت ایران
و عموم افراد آزادیخواه این کشور .

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com



انتشارات حزب توده ایران در سالی که گذشت

منتشر شده است:

۱. حزب توده ایران از خط امام پشتیبانی می کند
۲. حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳. گفتاری درباره امپریالیسم
نورالدین کیانوری
۴. حزب توده ایران در عرصه سیاست روز
پرسش و پاسخ، ۱
نورالدین کیانوری
۵. درباره مشی سیاسی حزب توده ایران
پرسش و پاسخ، ۲
نورالدین کیانوری
۶. حزب توده ایران چگونه می نگرد
پرسش و پاسخ، ۳
نورالدین کیانوری
۷. ما و چپ گرایان و مسایل انقلاب ایران
پرسش و پاسخ، ۴
نورالدین کیانوری
۸. حزب توده ایران چه می گوید
پرسش و پاسخ، ۵
نورالدین کیانوری
۹. مواضع ما درباره شوراها، مسأله کردستان و جبهه متحد خلق
پرسش و پاسخ، ۶
نورالدین کیانوری
۱۰. مسایل دیروز و امروز
پرسش و پاسخ، ۷
نورالدین کیانوری
۱۱. برنامه حزب توده ایران در شرایط کنونی و آینده
پرسش و پاسخ، ۸
نورالدین کیانوری

۱۲. تحولات افغانستان و مسایل بغرنج عصر ما
پرسش و پاسخ، ۹
نورالدین کیانوری
۱۳. وضع طبقاتی جامعه ایران و گروه‌های سیاسی
پرسش و پاسخ، ۱۰
نورالدین کیانوری
۱۴. سی و هشت سال مبارزه بی‌گیر در راه استقلال ملی، آزادی و حقوق زحمتکشان
نورالدین کیانوری
۱۵. برخی بررسی‌ها درباره جهان بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران
احسان طبری
۱۶. شمه‌ای درباره شناخت ایران و جهان
احسان طبری
۱۷. برخی مسایل حاد انقلاب ایران
احسان طبری
۱۸. بنیاد آموزش انقلابی (درس ناهه، متن جدید اصلاح شده)
احسان طبری
۱۹. درباره انقلاب اجتماعی
مارکس، انگلس، لنین
ترجمه محمد پور هرمان
۲۰. درباره فریدریش انگلس
لنین
ترجمه محمد پور هرمان
۲۱. زمین کوچک (مالایازمبیا)
لئو تولد برژنف
۲۲. گفت و گویی با چریک‌های فدایی خلق
۲۳. صفحاتی از جنبش جهانی کارگری و کمونیستی
ف. م. جوانشیر
۲۴. مائوئیسم و بازتاب آن در ایران
ف. م. جوانشیر
۲۵. افسانه پلاهای ایران
ف. م. جوانشیر
۲۶. اقتصاد سیاسی
ف. م. جوانشیر
۲۷. ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی (کتاب اول: ماتریالیسم دیالکتیک)
امیرنیک آیین
۲۸. ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی (کتاب دوم: ماتریالیسم تاریخی)
امیرنیک آیین

۲۹. تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی
(دوره کامل در یک جلد)
۳۰. ما هرگز به اصول انترناسیونالیسم خیانت نخواهیم کرد
فیدل کاسترو
۳۱. تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران
پرفسور بوندارفسکی
۳۲. برای متوقف ساختن ترور و سرکوب در عراق
۳۳. در عراق چه می گذرد؟
(گزارش پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق)
۳۴. مارکس، انگلس، لنین، در زندگی خصوصی
ترجمه مریم فیروز
۳۵. درباره نقش زن در اجتماع
لنین
ترجمه مریم فیروز
۳۶. گفتاری چند از بزرگان درباره زن
ترجمه مریم فیروز
۳۷. داوری های بجا و نابجا
چهره های درخشان
۳۸. مریم فیروز
۳۹. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره اول، مهرماه ۱۳۵۸
۴۰. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره دوم، آبان ماه ۱۳۵۸
۴۱. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره سوم، آذرماه ۱۳۵۸
۴۲. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره چهارم، دی ماه ۱۳۵۸
۴۳. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
(ویژه نامه، به مناسبت سالگرد انقلاب بزرگ ملت ایران)
شماره پنجم، بهمن ماه ۱۳۵۸
۴۴. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره ششم، اسفند ماه ۱۳۵۸
۴۵. دنیا، (دوره کامل، ۱۲ شماره، منتشره در سال های ۱۳۱۲-۱۳۱۳)
(به رهبری و مدیریت دکتر تقی ارانی)
۴۶. مجموعه دنیا
(سال ۱۳۴۴)
۴۷. مجموعه دنیا
(سال ۱۳۵۱)

۴۸. مجموعه دنیا
(سال ۱۳۵۲)
۴۹. مجموعه دنیا
(سال ۱۳۵۳)
۵۰. مجموعه دنیا
(سال ۱۳۵۴)
۵۱. مجموعه دنیا
(سال ۱۳۵۷)
۵۲. راندهٔ ستم و چهره‌خانه
احسان طبری
۵۳. دههٔ نخستین (خودزیست نگاری)
احسان طبری
۵۴. فرهاد چهارم
احسان طبری
۵۵. خانوادهٔ برومند
احسان طبری
۵۶. گنومات
احسان طبری
۵۷. سفر جادو
احسان طبری
۵۸. شمه‌ای دربارهٔ تاریخ جنبش کارگری ایران
عبدالصمد کامبخش
۵۹. مانیفست حزب کمونیست (ترجمهٔ جدید)
ک. مارکس، ف. انگلس
ترجمهٔ محمدپور هرمرزان
۶۰. کارل مارکس (زندگی نامهٔ کوتاه با شرح مارکسیم)
لنین
ترجمهٔ م. ف. جوانشیر
۶۱. چریک‌های فدایی خلق چه می‌گویند؟ (با مقدمهٔ جدید)
ف. م. جوانشیر
۶۲. زندگی دوباره
لئو تروتسکی
۶۳. مسایل معاصر آسیا و آفریقا
ر. اولیا نفسکی
ترجمهٔ هدایت حاتمی، علی گلاویز، بهرام دانش و...
۶۴. حزب تودهٔ ایران و دکتر محمد مصدق
نورالدین کیانوری

۶۵. نکاتی درباره تاریخ حزب توده ایران
(گفت و شنودی با رفیق نورالدین کیانوری)
۶۶. جنگ چریکی
لنین
ترجمه محمد پور هرمان
۶۷. مادر نامه
مریم فیروز
۶۸. چگونگی پیدایش انقلاب کوبا
فیدل کاسترو
۶۹. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره اول، فروردین ماه ۱۳۵۹
۷۰. دنیا، نشریه سیاسی و ثنوری یک کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره دوم، اردیبهشت ماه ۱۳۵۹
۷۱. واژه نامه سیاسی - اجتماعی
امیرنیک آیین
۷۲. هنوزمشی چریکی جدا از توده
(مروری در دیدگاه سازمان چریک‌های فدایی خلق و گروه راه کارگری)
جیدر مهرگان
۷۳. نامه مردم (دوره هفتم، از شماره ۱ - ۱۰۰، در یک جلد)
۷۴. زووه حیاته‌نین (ذو حیاتین، به زبان کردی)
علی گلاویز
۷۵. پیکه نی نی گه‌دا (خنده گدا، به زبان کردی)
حسن قزلبچی
۷۶. طرح‌های پیشنهادی حزب توده ایران درباره گرونی و نوسازی جوانب گوناگون جامعه
ایران
۷۷. رفقا (رمان ادبی)
- ای. میتر
ترجمه شهید خسرو روزه
۷۹. سوفیکو، دختر هیروشیمای (رمان ادبی)
رُمان کیم
ترجمه شهید خسرو روزه
- * هفتاد سال جنبش سندیکایی در ایران
مهدی کیهان

منتشر می شود:

۸۰. بیماری کودکی «چپ روی» در کمونیس (ترجمه جدید)
لنین
ترجمه محمدپور هرمان
۸۱. دولت و انقلاب (ترجمه جدید)
لنین
ترجمه محمدپور هرمان
۸۲. چه باید کرد - مسایل حاد جنبش ما - (ترجمه جدید)
لنین
ترجمه محمدپور هرمان
۸۳. امپریالیسم - بالاترین مرحله سرمایه داری (ترجمه جدید)
لنین
ترجمه محمدپور هرمان
۸۴. شکست
آکساندر فادهیف
ترجمه رضا شلتوکی
۸۵. ایران در دوسده واپسین
احسان طبری
۸۶. زایش و تکامل تئوری انقلابی
احسان طبری
۸۷. شکنجه و اهید
احسان طبری
۸۸. انحصارات بین المللی در ایران
حمید صفری
۸۹. هفده پرسش: سوسیالیسم چیست و در کشورهای سوسیالیستی چه می گذرد
حمید صفری
۹۰. چپ روها، مسأله خرده بورژوازی و رشد غیر سرمایه داری
حیدر مهرگان
۹۱. مبارزه در راه جبهه واحد علیه فاشیسم
گئورگی دیمیتروف
ترجمه م. منصور
۹۲. سرمایه (جلد دوم)
کارل مارکس
ترجمه ایرج اسکندری
۹۳. زندگی نامه لنین
ترجمه فروغیان